

دوربین

ویژه نامه نوروز ۱۳۹۱

| کاغذ باطله |

| نشریه داخلی اعضای دوربین نت |

| سال دوم | دوره جدید | شماره دهم |

| ۸۰ صفحه | فروردین ۱۳۹۱ |



به همراه CD تصویری
گفت و گو با عکاسان
نرم افزارهای عکاسی
تیزرهای دوربین نت

به همراه مجموعه هایی از

آلفرد یعقوب زاده / مجید سعیدی

بهروز مهری / ابراهیم نوروزی

آرمین کریمی / آرش حمیدی

به همراه گفت و گوهایی با

مهدی قاسمی / حسن غفاری

جاوید نیکپور / رضاموسوی

سیاوش حبیب الهی / حسین کریم زاده

به نام نوروزی به افتخار ایران
WORLD PRESS PHOTO



اولین کنفرانس عکاسی ایران

بهترین عکس من

www.bestphotos.ir

اردیبهشت ۹۱ - تهران

به همراه گفت و گوهایی با

مهدی قاسمی / حسن غفاری / مهدی منعم

جاوید نیکپور / رضاموسوی

سیاوش حبیب الهی / حسین کریم زاده

گفت و گو با عکاسان
نرم افزارهای عکاسی
تیزرهای دوربین نت

در هنگام دریافت مجله
دقت کنید سی دی روی این صفحه
چسبیده باشد

به همراه CD تصویری

وب سایت‌های عکس ایران



کتاب‌های عکس



دنیایی از لینک‌های سایت‌های عکاسی ایران و جهان

انجمن‌های عکس



مجلات عکس



| link.doorbin.net |

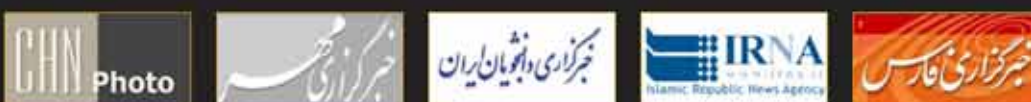
وب سایت‌های عکاسی خارجی



عالمی‌ها



بخش عکس خبرگزاری‌های داخلی





چهارمین دوره بین‌المللی

www.BestPhoto.ir

چشمواره
عکس‌ها
برتر سال



خوشمزه‌ترین بخش دورین.نت

دوونات

یک جامعه مجازی خوشمزه و پر عکاسی

www.doonut.ir

تو کدوم خبر خوان
عکس بفرستم؟

کجا بدم عکاسی؟
از چی عکس بگیریم؟
الان کجا خوبه؟

سینما؟
تئاتر؟
موسیقی؟
خوردنی؟
نهار خونه؟

عکاس کهای
ریله دارن
چیکار می کنند؟

کدوم نمایتگاه عکس رو بینم؟
الان کی نمایتگاه داره؟

یه سفر خوب عکاسی؟

یادم باشه
کدوم مابقه
باید عکس
بدم

سایت های
خوب چی ان؟

آخرففتنه
weekend

Weekend.doorbin.net

کلی پیشنهاد ریز و درست عکاسی

نرم افزار خوب
واسه عکاس ها؟

کتاب
خوب؟

کدوم کافی شاپ
برام بهتره؟



دوربین آنت

اولین آژانس عکس خبری ایران
WWW.DOORBIN.NET

برترین سایت هنری سومین جشنواره رسانه‌های دیجیتال



دوربین آنت
سایت اصلی و راه‌آینا
www.doorbin.net

کانگدراشه
هفته‌نامه تخصصی عکاسی
tele.doorbin.net

دوربین آنت
سایت گزارش تصویری خبری
www.dourbin.net

SAFAR
تورهای عکاسی و آموزشی
www.doorbin.net

CLUB!
کلوپ اعضای دوربین آنت
club.doorbin.net

festival
جشنواره سالانه عکس خبری
festival.doorbin.net

TOP
جشنواره عکس‌های برتر سال
top.doorbin.net

دوونوات
جامعه مجازی عکاسی
doonut.doorbin.net

حیر
آخرین اخبار دنیای عکاسی
news.doorbin.net

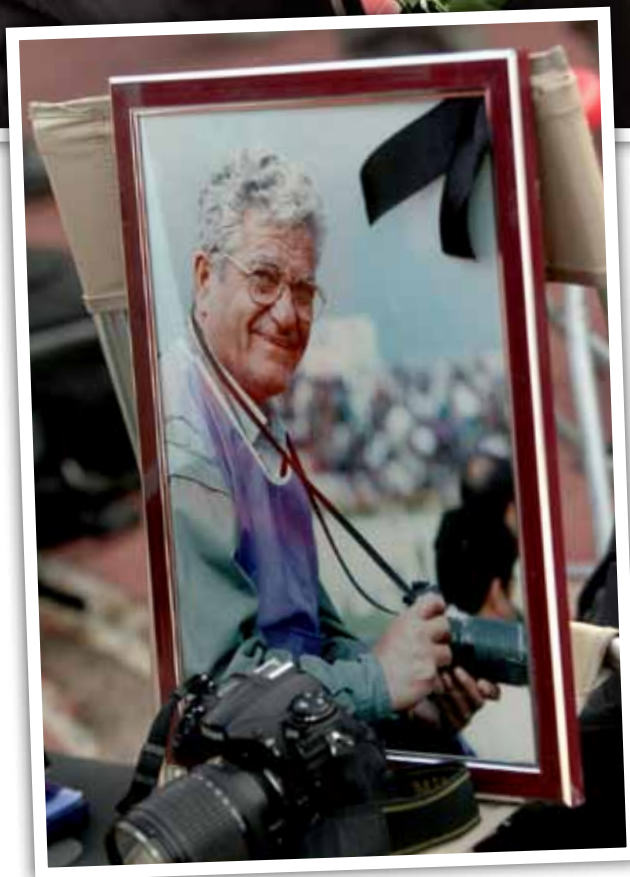
پوستر
پوستر نمایشگاه‌ها و جشنواره‌ها
Poster.doorbin.net

Link
لینک‌های مفید عکاسی
Link.doorbin.net

workshop
کارگاه و کلاس‌های آموزش عکاسی
Amouzesh.doorbin.net



این شماره پیشکش به استاد اسماعیل زرافشان



به یادی استادی که با وجود کهولت سن
همچنان عشقش عکس بود و عکاسی

استادی که سرما و گرمای ورزشگاه‌ها برایش اهمیتی نداشت
فقط عشق به عکاسی بود و عشق و عشق و عشق ...

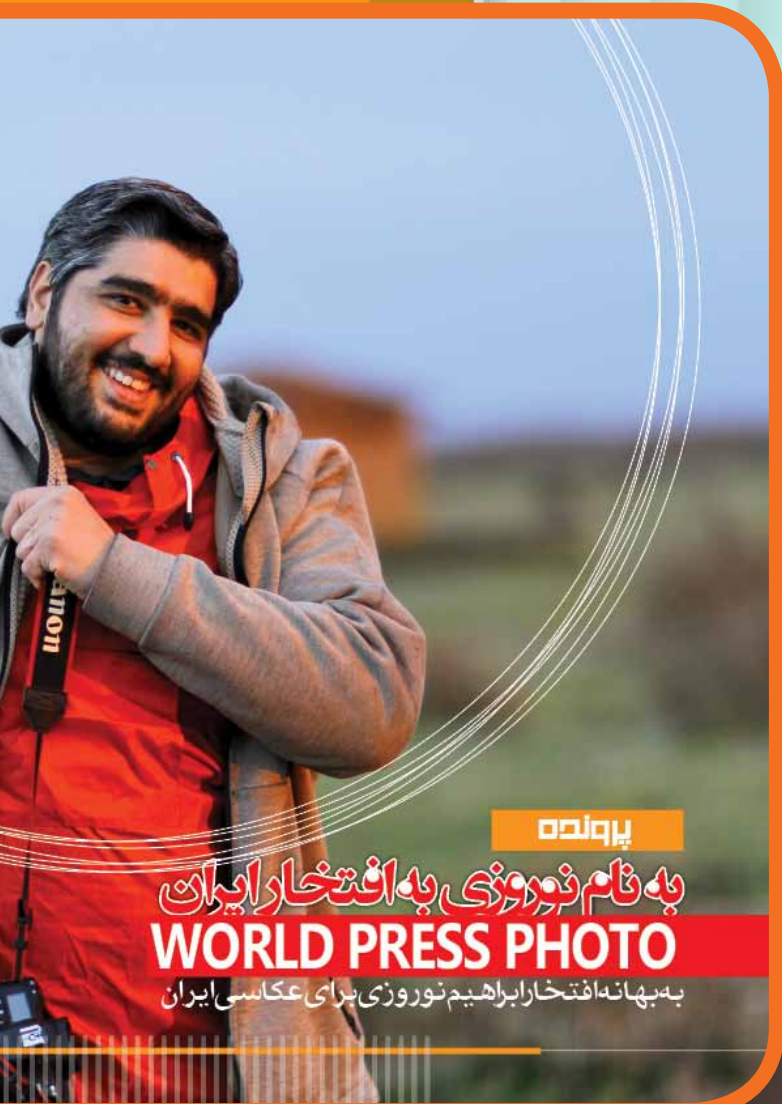
استادی که دیدنش درس‌های زیادی داشت
استادی که خنده از لب‌هایش دور نمی شد

استادی دوست داشتنی
استاد زرافشان

چند وقتی است ورزشگاه آزادی دلش برایت تنگ است
چند وقتی است جای خالی‌ات تماشاگران را هم آزار می دهد
جایت خالیست استاد...







پولنده

به نام نوروزی به افتخار ایران

WORLD PRESS PHOTO

به بهانه افتخار ابراهیم نوروزی برای عکاسی ایران



عکس جلدیک
یا شاوکیلی

مدیر داخلی: حمیدرضا معدنی

مدیر اجرایی: منصور ملکی

ویرایش: پریسا موسوی

مدیر روابط عمومی: آیدین روشن ضمیر

توزیع و اشتراک: بهاره خطیری

مدیر هنری: احسان رافتی

به همراه مجموعه‌هایی از

آلفرد یعقوب زاده

مجید سعیدی

پسر دژمیری

ابراهیم نوروزی

آرمین کرمانی

هادی صمدی

آرش حمیدی

نشریه کاغذ با تله

زیر نظر آژانس عکس دوربین‌نت

نشریه داخلی مخصوص اعضای کلوپ دوربین‌نت

با مسوولیت و سردبیری: احسان رافتی

دبیر تحریریه: معصومه اصغری

اخبار و تازه‌ها: فرید پهلوان

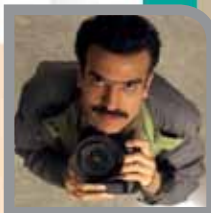
سی‌دی ضمیمه: مرتضی مهدی‌زاده، علی چاشنی‌گیر

به نام نوروزی به افتخار ایران

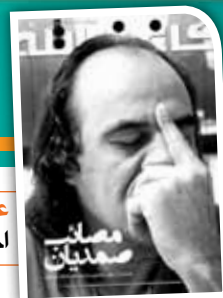
به همراه گفت وگوها و یادداشت هایی از:
ابراهیم نوروزی / محمد نوروزی
مهدی قاسمی / علی رفیعی

۴.

آغازی نو برای عکاسی ایران
موضوع مهمی به نام زیر نویس
خلاء بنیاد تخصصی آموزش عکاسی خبری



به نام صدیقی



عکس جلد دو
احسان رافتی

باهمکاری افتخاری

آلفرد یعقوب زاده - مجید سعیدی - بهروز مهری
ابراهیم نوروزی - محمد نوروزی - حسن غفاری
مهدی قاسمی - علی رفیعی - رضا موسوی
آرش حمیدی - کاوه فرزانه - جاوید نیکپور
سیاوش حبیب الهی - مهدی منعم - حسین کریم زاده

الهام صالح - حسین جلالی - سعید زارعیان
حجت عطایی - آرمین کرمی - هادی صمدی
مهدی غفاری - بهنام صدیقی - یاشا وکیلی

تلفن: ۰۹۱۹۲۰۵۳۰۰۹

نشانی اینترنتی:

<http://tele.doorbin.net>

ایمیل:

doorbin.net@gmail.com

ملاقات با «حسین پرتوی»، عکاس همافران:

باید بشناسی اش اگر عکس باشی!

الهام صالح / دوربین، نت: نگاهش حرف دارد، حرف‌هایش اما تمامی ندارد. چشم‌هایش می‌گوید دوست ندارد در این وضعیت باشد، دوست ندارد روی تخت خوابیده باشد، این دستگاه‌های لعنتی را دوست ندارد، اما چه می‌شود کرد؟
«حسین پرتوی»، با این دستگاه‌ها زندگی می‌کند، در کنار همسرش «پوران دخت پرتوی» و پسرش «سیاوش» که هزینه‌های درمان را بر عهده گرفته و مادر را هم در رسیدگی به پدر یاری می‌رساند.



به تعهد خود وفا کرد. او به اخلاق حرفه ای پایبند بود.

خفته بر بستر

برگردیم به حال. به این لحظاتی که دشوار و طاقت فرساست، به نگاه پرتوی که در آن غم و غرور را یک جا می توان دید. ما اینجا هستیم، در منزل او، کنار بستر کسی که لحظه های مهمی را ماندگار کرد. ما کیستیم؟ «محمد نوروزی»: عکاس بازنشسته کیهان که روزگاری، عکاس کیهان بود و پرتوی،

کار کرد، اما گاهی بهانه هم لازم است. اگر بهانه احوال پرسشی از «حسین پرتوی»، ۱۹ بهمن باشد، بهانه خوبی است. ۱۹ بهمن؟ چه خبر بوده در این روز؟ این روز در تاریخ ثبت شده. ۱۹ بهمن ۵۷، همافران در دبیرستان علوی با امام خمینی (ره) بیعت کردند. این لحظه بدون شک در تاریخ ثبت می شد، اما اگر پرتوی نبود، عکسی از این لحظه وجود نداشت بی عراق. او از این لحظات تاریخی عکاسی کرد و متعهد شد که از چهره افراد حاضر در دبیرستان علوی، عکس نگیرد.

«حسین پرتوی»، این نام آشناست. اگر عکاس باشی، باید بشناسی اش؛ عکاس بیعت همافران با امام خمینی (ره)، دبیر سرویس عکس روزنامه کیهان در سال های پیروزی انقلاب و آغاز جنگ تحمیلی. نگو که نمی شناسی اش! اگر عکاس باشی، باید او را بشناسی.

متعهد به اخلاق حرفه ای

به بهانه ها زنده ایم. نه؟ درست است! به بهانه ها زنده ایم. گاهی باید بی بهانه زندگی کرد، نفس کشید،

خبری در حال فعالیت باشد. بانو پوران دخت، به این شرایط آگاه بود، آن را پذیرفت و همسر یک عکاس شد. اما آیا هیچ وقت گلایه کرد؟ می گوید: «نه خب، من شرایطش را قبول کرده بودم. می دانستم عاشق کارش است. پدر و مادر پیری هم داشت که مراقبت از آن ها به عهده من بود. گاهی ۲ ماه خانه نمی آمد.» بچه ها چطور؟ آیا آن ها هم شرایط پدر را درک می کردند؟ بانو پوران دخت توضیح می دهد: «آن ها هم می دانستند شرایط کار پدرشان این است.»

مرد بی ادعای جامعه عکاسی

می گوید: «اینجا خانه امید ماست.» «محمد نوروزی»؛ عکاس ارشد بازنشته کیهان این جمله را با صداقت محض می گوید، بی اغراق. حدود ۵ سال، او عکاس بود و پرتوی، دبیر سرویس. خاطرات خوشی دارد از این سال ها، مثل خاطره آن روز که پرتوی ژست گرفت تا از او عکاسی کند. مطالب بسیاری هم از پرتوی آموخته. فنون عکاسی به کنار، اخلاق حرفه

دبیر سرویسش و «احسان رافعی»؛ مدیر آژانس عکس خبری ایران، دوربین نت، می خواهیم از پرتوی، احوالی بپرسیم. با نزدیک شدن به روزهای پیروزی انقلاب اسلامی، خیلی ها احوال عکاس همافران را می پرسند، اما بعد چه؟ کاش ما جزو آن هایی باشیم که همیشه احوالش را می پرسیم.

احوالش؟ خوابیده بر بستر بیماری، در حالی که با دستگاه نفس می کشد، همان دستگاهی که اگر برق قطع شود، نه یو پی اس می تواند به کارش بیندازد، نه حتی ژنراتور برق. بانو پوران دخت باید با فشردن دست روی دستگاه، در نفس کشیدن به همسرش کمک کند.

احوالش؟ نای او را سوراخ کرده اند تا بتواند نفس بکشد. با دستگاهی به نام «پیک» و از راه معده به او غذا می دهند. «ای ال اس»، قدرت تکلم را از او گرفته. این اتفاق در همان آغاز بیماری رخ داد. آن موقع می توانست بنویسد، امروز اما نه!

زندگی با یک عکاس خبری

زندگی با یک عکاس خبری دشوار است. روزهایی که همه تعطیلند، شاید یک عکاس خبری تعطیل نباشد، لحظاتی که همه در حال استراحتند، شاید یک عکاس

ای را در حضور پرتوی آموزش دیده. همین هاست که عکاس همافران را از نگاه نوروزی به مرد بی ادعای جامعه عکاسی تبدیل کرده، مردی که جامعه عکاسی، او را نمی شناسد، یا قدرانش نیست. همان مردی که به اعتقاد نوروزی باید دکترای افتخاری را به او تقدیم کنند. همان عکاسی که هنوز هم می توان او و همین طور منش هایش را در عکاسی به نسل جدید عکاسان شناساند.

در قاموس پرتوی، «به من چه» و «تشد عکس بگیرم» وجود نداشت. نمی پذیرفت یک عکاس دست خالی و بدون عکس به روزنامه بازگردد. «نگذاشتند



است که خانواده اش به آن اشاره ای ندارند، اما «محمد نوروزی» به صراحت بر زبان می آورد. در عین حال اعتقاد دارد که افرادی مانند پرتوی، به تکریم نیازی ندارند. آن ها با اقتدار زندگی کرده اند و عمر حرفه ای شان هم با سلامت و صلابت طی شده. نوروزی اما می پرسد: «ولی وظیفه متولیان فرهنگی کشور چه می شود؟»

از صلابت پرتوی همین بس که دوست نداشت کسی به ملاقاتش برود، با حالت های چهره و چشم هایش این خواسته را مطرح می کرد. اما این روزها بیماری را پذیرفته. این روزها می توان به ملاقاتش رفت. هر چند که چشم هایش هنوز هم غمگین است. این چشم ها وقتی از عکاسی گفته می شود، به اشک می نشینند. حتما دلش برای عکاسی تنگ شده. یک عکاس، بدون دوربین؟! بدون ثبت لحظه ها؟! نه! ممکن نیست! حتما خیلی دشوار است...

از یک زاویه عکاسی کند؛ پشت به همافران و رو به امام خمینی (ره).

یک عمر با صلابت و سلامت

مراقبت از پرتوی دشوار است، اما بانو پوران دخت و پسرش سیاوش، این سختی را به جان می خرند. مراقبت لحظه به لحظه، کار هر کسی نیست، اما روزهایی هم شرایط دشوارتری وجود داشت. آن روزها پرستارها ۳ شیفته از او مراقبت می کردند. دائم فشار خونش بالا می رفت، قند خونش پایین می آمد، نمی توانست بخوابد. اما از این بدتر، شرایط روحی اش بود. پرتوی دوست نداشت، خانواده اش به زحمت بیفتند، از همسرش می خواست تا او را به خانه سالمندان منتقل کنند، اما این خواهشهای بود که نمی شد پذیرفت. پرتوی را آن گونه که باید قدر نمی دانند. این نکته ای

عکس بگیرم»، «نشد»، «نتوانستیم» برایش معنا نداشت. با این وجود به رعایت اخلاق حرفه ای هم پایبند بود. عکاسان سرویس عکس روزنامه کیهان را هم به رعایت اخلاق حرفه ای تشویق می کرد. از نگاه پرتوی، عکاس به داور فوتبال شباهت دارد. باید اتفاق ها را روایت کند، اما بی قضاوت. او معتقد است عکاس نباید قضاوت کند، عکاس باید نسبت به جامعه و همکاران خود اخلاق حرفه ای داشته باشد، نباید دروغ بگوید. خودش هم به این نکات پایبند بود، مثال ملموسش؛ عکس بیعت همافران با امام خمینی (ره). برای ثبت این لحظه اجازه گرفت و متعهد شد که فقط



حمیدرضا معدنی

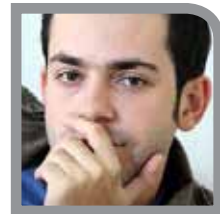
آموزشی صادقانه

عکس و عکاسی در ایران با سرعت در حال افزایش است که بسی جای خوشحالی است. در این راستا روزه روز چشم‌مان به جمال دوربین به‌دستان عزیزی روشن می‌شود که گاهی اوقات اشک شوق در چشم‌مان حلقه می‌زند و امید در دل‌ها که هرایرانی بتواند یک عکاس یا حداقل یک بیننده حرفه‌ای عکس باشد.

البته نباید سهم سازندگان لوازم عکاسی را نادیده گرفت که روز به روز دوربین‌های مختلف و متفاوتی را ارایه می‌دهند و شوق عکاسی را در کاربران دوربین ایجاد می‌کنند. اما حواس‌مان باشد که این لوازم مدرن ما را از اصول عکاسی دور نکنند. دیده شده عزیزانی با تکنولوژی به طوری پیش می‌روند که دوربین‌شان بیش از چند ماه در دست‌شان دوام نمی‌آورد و سریع تعویض می‌شود، یا با دو، سه دوربین به عکس گرفتن در شرایطی می‌کنند که انگاری به جنگ سوژه می‌روند در صورتی که یک دوربین هم کافی است.

این امر بنده را بران داشت تا اطلاعاتی در این خصوص به‌دست بیاورم که ماحصل آن چنین شد که طبق آمار (غیر رسمی) در سال ۸۹ تعداد یک میلیون دوربین مختلف در ایران به فروش رفته است که امیدوار کننده است و اگر از این تعداد ده درصد حرفه‌ای و نیمه حرفه‌ای و حتی آماتور باشند یعنی ۱۰۰/۰۰۰ نفر که آمار خیره‌کننده‌ای است.

اما در کنار این آمار فکری به حال آموزش این عزیزان نشده است و با عکاسانی روبه‌رو می‌شویم با توجه به لوازم مدرن از اصول عکاسی هیچ نمی‌دانند و صادقانه عنوان می‌کنند محل مناسبی برای آموزش وجود ندارد و از گرانی آموزش گله داشته و حتی بعضاً از اساتید با تجربه هم به دلیل بی‌توجهی به امر آموزش گله داشته و این دلایل باعث گردیده تا آن‌ها متوسل به نرم‌افزارهای مختلفی شوند. اگر این اتفاق یک عادت شود دیگر هیچ عکاسی با نگاه خلاقانه و هنری عکس نخواهد گرفت و تنها با تکیه بر نرم‌افزار شاتر را می‌چکاند و اگر این اتفاق بی‌افتد در آینده شاهد نزول هنر عکاسی خواهیم بود بنابراین از اساتید عزیز عکاسی و آموزشگاه‌ها تقاضا می‌شود اگر به موضوع آموزش توجه دارند برنامه‌ای اصولی برای آموزش این عزیزان ارایه دهند تا تا افق روشنی در آینده عکاسی‌مان داشته باشیم.



احسان رافتی

سالی خوب و پر بار و شیرین

اول: یک سال دیگر را با دوربین نت و عکاسان عزیز سپری کردیم و امروز آخرین روز سال ۹۰ می‌باشد سالی که برای دوربین نت سال خوب و موفق بود ...

دوم: امسال بخش‌های متنوع زیادی به دوربین نت اضافه شد از جمله همین آخر هفته که پانزده هفته در خدمت شما دوستان بود تا بتواند کمی اوقات فراغت شما دوستان عزیز را پر کند.

خبرنامه‌های ام‌اسی دوربین نت نیز گامی بود برای اینکه عکاسان بتوانند سریع‌تر از موعد مقرر اخبار و اطلاعات مربوط به نمایشگاه‌های عکس، فرآیندهای مهم عکاسی را با خبر شوند. نشریه کاغذ با تله دوربین نت امسال خیلی ویژه‌تر در هشتاد صفحه به صورت رنگی و کاغذ گلاسه منتشر شود در دسترس عموم قرار گرفت.

سوم: امسال در جشنواره رسانه‌های دیجیتال حضوری ویژه‌تر داشتیم و با برپایی هر روز یک نمایشگاه عکس از عکاسان معتبر و حضور آن‌ها در غرفه توانستیم غرفه‌ای خوب در خور عکاسان کشور ایجاد کنیم ...

چهارم: اول شدن دوربین نت در چهارمین جشنواره وب سایت‌ها در بخش هنری نیز از موفقیت‌های دوربین نت در سال ۹۰ بود.

پنجم: برگزار شدن ششمین جشنواره عکس خبری دوربین نت این نوید را داد که خواستن توانستن است و اعضای دوربین نت توانستند برای اولین بار یک جشنواره عکس خبری را به دور ششم برسانند. برگزاری کارگاه‌های عکاسی و حضور عکاسان معروف کشور در کارگاه‌ها از نقاط قوت این جشنواره بود.

ششم: جشنواره عکس‌های آخر سال دوربین نت نیز به دور چهارم رسید. سالی که گذشت سه نمایشگاه در شهرهای مختلف برگزار شد که امسال در تلاشیم در شش شهر مختلف نمایشگاه را برگزار کنیم.

هفتم: مانند خیلی کارها که برای اولین بار انجام دادیم این بار نیز اردیبهشت سال ۹۱ قصد داریم برای اولین بار کنفرانس علمی عکس ایران را با حضور اساتید دانشگاه و عکاسان صاحب نام برگزار کنیم که امیدوارم خداوند مانند همیشه یاورمان باشد و این کنفرانس برای اولین بار در کشور برگزار شود.

هشتم: سال آینده نیز کارهای خیلی زیادی انجام خواهیم داد که بهتر است انجام دهیم تا بخواهیم درباره اش صحبت کنیم ...

نهم: در مورد فیلتر شدنمان چیزی نگوییم بهتر است. فعلاً که به ظاهر همه چی امن و امان است و آرام ...

دهم: عیدتان مبارک. سال خیلی خوبی داشته باشید.



حجت عطایی

نقد، راهگشای عکاسان

بیشتر عکاسان جوان از اینکه عکس‌هایشان مورد قضاوت و داوری قرار بگیرد هراسان هستند. شاید بیشتر دوست داشته باشند که آثارشان مورد ستایش قرار بگیرد. البته در این مسیر نقد صحیح مسیر حرکت عکاس را هموارتر می‌کند و بیان محاسن و معایب و راهنمایی‌های مناسب راهکارهای درستی را پیش پای عکاس قرار می‌دهد. در مقابل بسیار پیش آمده است یک نقد ناسره چنان ذوق عکاس را کور کرده که هنرمند دست از کار خود می‌کشد و به مشاغل دیگری مشغول می‌شود. جوانی و ناپختگی نقادان می‌تواند یکی از این دلایل باشد که بحث جداگانه‌ای است. در نوشته سعی شده بر این نکته تأکید شود که یک نقد صحیح خود موتور فرهنگی یک ملت را چنان به چالش می‌کشد که موجب به وجود آمدن انقلاب‌های فرهنگی می‌شود. هنرمند می‌اندیشد و تصمیم می‌گیرد و در نهایت محصول هنری تولید می‌کند اما این محصول هنری به طور مطلق درست و صحیح نیست بلکه بر اساس معیارها شناخته شده جامعه احتمال خطا و اشتباه وجود دارد به این دلیل است که آثار باید در بوته نقد نقادان قرار بگیرد و درستی و نادرستی آن معلوم شود.

نقد واژه‌ای عربی به معنی جدا کردن دینار و درهم سره از ناسره و تمیز دادن خوب از بد و همچنین به معنی آشکار ساختن محاسن و معایب سخن آمده است. منتقدان نویسندگانی هستند که هنر را دوست دارند و تصمیم می‌گیرند که زندگی خود را در راه اندیشیدن راجع به این مقوله صرف کنند. کارکرد نقادانه به معنی کلی و عام کلمه یعنی داوری و معرفی آثار به منظور ساده کردن به طوری که مخاطب اثر به راحتی بتواند آنرا بخواند و اثر هنری را درک کند.

انتقاد واژه بسیار پیچیده‌ای است و معانی متعدد و گوناگونی دارد. منتقدان وقتی نقد می‌نویسند موارد چهارگانه زیر را مد نظر قرار می‌دهند. آنها اثر هنری را توصیف تفسیر و ارزیابی می‌کنند و درباره آن نظریه پردازی می‌کنند. اما قضاوت درباره آثار هنری بیش از آنکه منفی باشد مثبت است. پر واضح است که سخن گفتن درباره آثار هنری به منظور بالا بردن فهم و ارزیابی صورت می‌گیرد.

نقد وسیله‌ای است که نهایتاً به ارزیابی عکس می‌انجامد و اگر این کار درست و صحیح انجام شود بسیار سودمند خواهد بود. زیرا فهم نقاط قوت و ضعف اثر به عکاس کمک خواهد کرد که عیب‌های کارش را بفهمد و در جهت برداشتن معایب کارش تلاش بیشتری کند و در این مسیر رشد مضاعفی خواهد داشت. نقد به مثابه درس استاد می‌باشد. همانطور که گفته شد دیدن جنبه‌های منفی اثر و شناخت آنها بسیار سودمندتر خواهد بود.

یک اثر هنری محتاج و نیازمند نقادان آشنا و بی طرف است در واقع نقد متن و اثری مستقل و آموزنده است که گاه پیامی فراتر از پیام خود اثر هنری دارد.

منابع / شیوه‌های مختلف نقد هنری / دکتر حبیب الله آیت‌اللهی / نقد عکس
تری برت ترجمه اسماعیل عباسی / بو طیفای عکاسی / داریوش محمد خانی



محمد نوروزی

بهمن جلالی استادی خستگی‌ناپذیر

زنده‌یاد استاد بهمن جلالی آغاز خوشی در سال ۱۳۳۳ و پایانی غم‌انگیز در سال ۱۳۸۹ داشت.

او را دانشجویان‌اش به دلیل خوبی و تسلط و صداقت بسیار دوست داشتند و او جزو معدود اساتیدی بود که اهل تجزیه و تحلیل و نقد استادانه عکس بود. وقتی به پای سخن‌اش می‌نشستیم به هنر سخنوری‌اش پی می‌بردیم و کلام او به جان می‌نشست. او در عین صداقت به راحتی و بسیار عالی در باب عکس سخن می‌گفت. دوستی‌های او مخصوصاً با دانشجویان کلاس‌هایش صمیمی و پر از نکات طنز بود و در میان نام‌های ماندگار عکاسی ایران نام بهمن جلالی رنگ و بو و نقش و نگاری خاص دارد.

استاد پر از تجربه و کوشای عکاسی ایران در عین حال سختگیر بود و در میانه میدان بسیار جدی هم ظاهر می‌شد. اعتقاد قلبی او همیشه بر این بود که عکاس در دنیای امروز باید خیلی چیزها را بداند، بشنود، بخواند و بتواند صحبت کند. اهل مطالعه دائم و آگاهی داشتن به اوضاع، جریان‌ات و اتفاقات مختلف بود و چیزی که او را آزار می‌داد و رنجش را افزودن می‌کرد حرف زدن زیاد و عمل نکردن به طرح‌ها و پروژه‌های عکاسی بود و همیشه به دانشجویان‌اش تأکید می‌کرد که کاری را با مطالعه و تحقیق آغاز کنند و به پایان برسانند و بعد سراغ کار دیگری بروند.

به راحتی می‌توان از او به عنوان یک عکاس و یا یک محقق تاریخی نام برد چرا که با اشتیاقی فراوان به عکاسی از شهرها و آبادی‌ها و بناهای تاریخی ایران می‌پرداخت. همچنین در ثبت وقایع مهمی نظیر انقلاب و جنگ توجه خاصی داشت و به همین دلیل بود که در یکی از مصاحبه‌هایش در مورد انقلاب می‌گفت: «انقلاب ایران اتفاقی بود که جلوی چشمان ما روی داد در حالی که مشابه آن را در کتاب‌ها همیشه خوانده و دیده بودیم؛ مثل انقلاب کوبا یا روسیه. انقلاب ما به قدری خاص و عجیب بود که دوست داشتیم همیشه در آن سهیم باشیم و چون چنین دورهای را تا به حال در زندگی نداشتیم این روزها برایمان تازگی زیادی داشت و عکاسی از آن هم با وجود خطرات شیرین و لذت‌بخش بود و من دوست داشتم در آن روزها از همه جلوتر باشم تا خوب عکاسی کنم.» بهمن جلالی در زمینه آموزشی هیچ‌وقت عکاسان شهرستانی‌ها را فراموش نمی‌کرد و به دانشجویان و علاقمندان عکاسی توجه ویژه‌ای داشت و همیشه به آنان یادآور می‌شد که «عکاسی در انحصار هیچ‌کس نیست».

زندگی حرفه‌ای و هنری بهمن جلالی در فیلمی مستند به نام «عکس ناتمام» کار مشترک تورج ربانی و عمید راشدی به خوبی نمایش داده شده است.

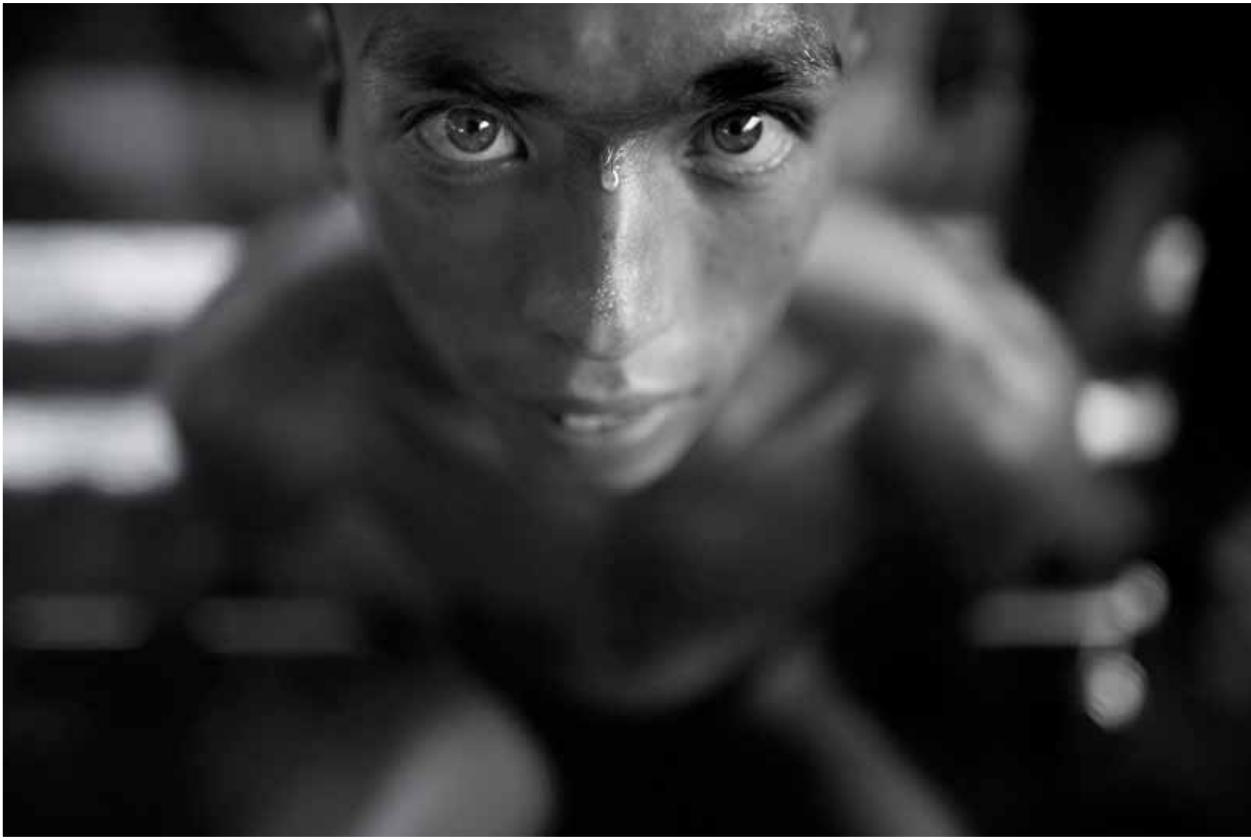
روحش شاد و جایگاهش عالی

































کله انسان که پیدا شد معادله میش ها و چرخه حیات به نامعاده شبان و میش بدل شد. در برابر جان دار دوپایی که قدرتی مهارنشده و میلی سیری ناپذیر داشت، میش ها انتخاب چندانی نداشتند. دوا خوب شد و چهارپا بد پس تسلیم شدند و بع کنان در خدمت انسان قرار گرفتند.

نمایشگاه عکس بره های ایرانی که مجموعه عکس هایی از عکاس ایلات و عشایر ایران، حسن غفاری را در موزه ی عکسخانه ی شهر تهران به تماشا نهاده تصویری ست از نسل امروزین همان میش هایی که کوتاه آمده، حیات وحش را رها کرده، دست از آزادی و یله گی برداشته دست آموز شدند تا میش هایی باشند در مشت شبان.

■ حسن غفاری متولد ۱۳۴۸ بوبر احمد، عکاس مستند اجتماعی ست. در کارنامه وی بیش از دو دهه فعالیت حرفه ای، برگزاری چندین نمایشگاه عکس، کسب مقام های برگزیده، تدریس عکاسی و دوری در جواره های مختلف دیده می شود. او در ایل به دنیا آمده، در روستا قد کشیده و سال هاست که یک شهرنشین تمام عیار است. از نسلی است در حال گذار که یک پایشان در سنت و پای دیگرشان در دنیای مدرن است. از دامنه های دنا تا تهران را کوبیده و آمده اما در هر فرصتی دوباره برگشته پا به پای ایلاتی که دوام آورده اند، همراهشان کوچ کرده، دکمه دوربین را چکانده و کوشیده تا با استفاده از این رسانه هنری مدرن زندگی آن ها را و گاهی آخرین آیند و روندشان را ثبت و ماندگار کند؛ (عکس اول)

■ در نمایشگاه بره های ایرانی، میش ها می زاینند و بره ها به دنیا می آیند. اگر چنین اتفاقی برای کسی که زاده شهر است و بالیده در گیر و دار تراکم و ترافیک و ساز و کارهای تجدد در حد یک سرگرمی است برای شبان همه چیز است. شبان لر در نیایش خود چنین می سرایند:

ای خدا بارون بیا میشم بزایه / برشه نرز ایکنم وایم وریه

ای خدا باران ببارد میشم بزاید / بره اش را نذر می کنم آرزویم برآورده شود

میش همه چیز شبان است و بره ای که به دنیا می آید برای او نماد فراوانی و امید و زندگی است؛ (عکس دوم)

■ زن شبان اگر نور چشم خود را به پشت می بندد، بره میش خود را نیز در بغل می گیرد. وقتی میش ها جایی باشند و بره ها سالم، نشانه خرسندی و رضایت را می توان از پس آن همه زحمت و کار در چهره

میش درمشت شبان!

برداشتی آزاد از نمایشگاه عکس حسن غفاری

با عنوان بره های ایرانی

مهدی غفاری

کسی نمی داند که نخستین میش وحشی کی، کجا و چگونه به دست کدام انسان نخستین شکار شد اما از وقتی که اولین میش وحشی در برابر این اصل طبیعی که "قوی ضعیف را از پا درمی آورد" سرخم کرد و پذیرفت که از قله های دست نیافتنی و دشت های گسترده بگذرد و دست آموز انسان شود (که راهی نیز جز این نداشت)، شالوده ی دامداری با محوریت انسان به نام شبان و میش به عنوان دام پی ریزی شد.

شبان - رمه گی تحولی بزرگ در زندگی انسان و میش ایجاد کرد. تا پیش از آن میش ها آزاد و رها در حیات وحش می چریدند و زاد و ولد می کردند. آن ها برای این آزادی و بقای نسل خطراتی را به جان می خریدند که از سوی بلایای طبیعی و تغییرات جوی و حیوانات شکارچی تهدیدشان می کرد. سر و



اندکی یافت می شوند و شبانی دیگر چنگی به دل نمی زند و شبان -رمه گی راه به جایی نمی برد، عیب و ایراد از میش ها نیست، ایراد را جای دیگر باید جست؛ (عکس هفتم)

■ میش بودن درد بدی ست، میش ها تاوان میش بودن خود را می پردازند. گاهی طعمه گرگ ها می شوند، گاهی در مسیر کوچ، گله وار زیر ماشین می روند، هم در عزا و هم در عروسی سرشان را با کارد می برند، برای رضای خدا و خلق به قربانگاهشان می برند، شیرشان را می دوشند، بره هایشان را به سیخ کباب می کشند و آن ها را به هر قصابی که پول بیشتری بدهد می فروشند. حتی وقتی در نقش برجسته های تخت جمشید دو نگاره های محلی جای می گیرند، سرانجام خوشی در انتظارشان نیست، عکس های نصب شده بر دیوار نمایشگاه این ها را چنان نشان می دهند گویی که بخواهند عبرتی برای دیگر میش ها باشند. با این همه، آخرین عکس در یک نگاه به ما نشان می دهد که در ایران عزیز، پای قله ی بالا بلند دماوند در مراتع سرسبز و میان شقایق های سرخ، میش های بی شبان بدون آن که عبرتی در کار باشد، آرام و سر به زیر می چرند و این یعنی گرچه شبان -رمه گی به پایان راه رسیده، همچنان که دیده می شود، هنوز هست؛ (عکس هشتم)



۴



۳



۸



۷

■ هم شبان و هم میش در چرخه ی زندگی (circle of life) جا می گیرند. شبان میش را به چرا می برد و مراقب اوست و میش برای شبان غذا و زندگیست، شیر و گوشت و پشم و کود و پولی که از فروش میش به دست می آید، همه در خدمت شبان و تداوم زندگی اوست. اگر پولدار به پول و مالک به ملک می نازد، شبان به میش می نازد. در ادب محلی، شبان جوان عاشق دختری زیبا می شود و چشم انتظار پاسخ است اما دختر عشوّه می ریزد و امروز فردا می کند. جوان چنین می سراید:

اگر سی ریشمی ریشم ایتراشم / اگر سی میشمی میش پر قاشم

تری نای نای نای / تری نای نای نای

اگر به خاطر ریشم هستی، ریشم را می تراشم / اگر به خاطر میشم هستی

آغل من پر از میش است / تری نای نای نای / تری نای نای نای

این عشق از زندگی سرچشمه می گیرد و در تار و پود دست بافته های شبانان نقش می بندد تا

عکاس آن را چنین به تصویر کشد؛ (عکس سوم)

■ میش زیر بنای معیشت و دوام در شیوه ی زیست شبان -رمه گی ست، سایر چیزها رونابند. اگر ناف شهر نشینان را در کشور ما با نفت بریده اند، ناف زاد و زیست شبانان را با میش بریده اند. در یکی از عکس ها، زن شبان گله را در سپیده دم به چرا برده است. در دوردست چاه نفتی می سوزد، دود می شود و به هوا می رود؛ (عکس پنجم)

■ برای شبان، میش از همه چیز مهم تر است، برای میش نیز هیچ کس از شبان مهم تر نیست. پس از هزاران سال شبان و میش سفت و سخت به هم دل بسته و وابسته شده اند. اگر اولین شبان برای رام کردن نخستین میش خون دل می خورد، اینک برای سر به راه نگه داشتن میش ها نیازی به کارهای طاقت فرسا نیست. شبان برای به راه آوردن میش های گوش نگیر و دغل همان چماق همیشگی را در دست دارد. در سایه چماق، او نه در پس گله که پیشاپیش آن ها با خیال آسوده گام برمی دارد. میش ها سر به زیر و آرام در پی او روان هستند بی آن که به چشم اندازی از قله حیات وحش که روزی سرزمین اجدادشان بود و اینک پیش رویشان است، نیم نگاهی ببندازند. رمه ردپای شبان را دنبال می کند حتی اگر شبان نخواهد؛ (عکس ششم)

■ این تصویری است که در دنیای مدرن به ندرت چنین آشکار دیده می شود. امروزه روز اگر شبانان



جزو اولین تبعات گران شدن دلار، گرانی دوربین‌های دیجیتال بود که شوک وحشتناکی بین عکاسان و علاقمندان عکاسی ایجاد کرد. عکاسانی که به دلیل سونامی و زلزله ژاپن یک‌بار شاهد گران شدن دوربین‌های عکاسی بودند این بار نیز با گران شدن تقریباً دو برابری دوربین‌های دیجیتال رو به رو شدند به طوری که خیلی‌ها قید خرید دوربین دیجیتال را زدند و ترجیح دادند با همان وسایلی که داشتند سر کنند. در این بین دوربین "پنج‌دی کانن" شاهد بیشترین تغییر در بین دوربین‌ها بود. دوربینی که به واسطه فیلمبرداری خوبش و استفاده در چند فیلم سینمایی کاربردی دو طرفه دارد. هم برای عکاسی و هم برای

۴/۸۰۰/۰۰۰

۴/۳۰۰/۰۰۰

۳/۸۰۰/۰۰۰

۳/۲۰۰/۰۰۰

۳/۰۰۰/۰۰۰

۲/۸۰۰/۰۰۰

۲/۷۵۰/۰۰۰

۲/۷۰۰/۰۰۰

۲/۴۷۰/۰۰۰

اسفند ۹۰ بهمن ۹۰ دی ۹۰ خرداد ۹۰ اسفند ۸۹ مهر ۸۹



5D آم آرزوست

احسان راقتی

و قیمت‌هایی که روز به روز بالا می‌رود...





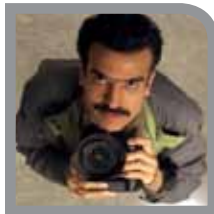
پرونده

به نام نوروزی به افتخار ایران WORLD PRESS PHOTO

به بهانه افتخار ابراهیم نوروزی برای عکاسی ایران



بهنام صدیقی



محمد نوروزی

موضوع مهمی به نام زیر نویس

رقابت world press photo امسال قدمی رو به جلو برای خود و عکاسان مختلف و یک درس و پیام آموزشی خوب برای عکاسان ما به خصوص عکاسان جوان داشت که ابراهیم نوروزی به عنوان یکی از برندگان این رقابت بزرگ از ایران هم در یکی برنده از مصاحبه های خود به آن اشاره کرد و این موضوع چیزی جز زیرنویس و توضیح برای عکس نیست که بارها و بارها در مورد استفاده از این قابلیت کوچک اما بسیار مهم و کاربردی صحبت کرده ایم. ابراهیم نوروزی در مصاحبه خود تاکید کرده بود که دوستان دیگری همزمان با او عکس هایی با موضوع مشابه در مورد اعدام برای این رقابت ارسال کرده اند که به نظر او بسیاری از آن عکس ها قابلیت انتخاب را هم داشته اند اما او برای عکس ها زیر نویس گذاشته و داوران نیز علاوه بر عکس به این موضوع مهم نیز قطعا امتیاز داده اند.

این نکته و تاکید بر آن برای یادآوری به عکاسان جوانتر بسیار مهم است تا از همان ابتدا با اطلاع و آگاهی با سوژه خود ارتباط برقرار کنند و شرح حال آن موضوع و ماهیت و چرایی آن را به خوبی بدانند و بتوانند در مورد آن توضیحی را ارائه کنند. در شرایطی که جشنواره های برگزار شده در ایران بدون رعایت استاندارد های لازم و بدون هیچ اصل مشخصی شکل می گیرد و هر عکسی که انتخاب شود تبدیل به الگویی برای عکاسان جوان شده و سال بعد شاهد ارسال تعداد زیادی از آن عکس هستیم، همین یک درس از رقابت بزرگ و سازنده world press photo می تواند برای ما مهم و سازنده باشد و ما را چندین قدم جلو ببرد.

در عین حال عکاسان جوان نباید برنده شدن در این عرصه های بزرگ و مهم را دور از ذهن خود بدانند و فکر کنند انتخاب در چنین فضاهایی نیازمند یک اتفاق و حادثه عجیب و غریب مثل زلزله بم است چرا که با انتخاب ابراهیم نوروزی برای آن مجموعه عکس مستند از اعدام متوجه شدیم این مجموعه های بین المللی و تخصصی عکس به دنبال کار خوب هستند و با یک شرح عکس خبتر می توان امتیاز زیادی به عکس داد.

بهتر است که عکاسان جوان باید در این مسابقات که معمولا بخش های مختلفی دارند با وسواس و توجه زیادی شرکت کنند و یادشان نرود world press photo هر سال نسبت به سال قبل خود تغییرات زیادی دارد و هر بار جلوتر رفته و کاملتر می شود و ما هم باید به همان نسبت خود را تغییر داده و جلو ببریم و به عبارتی عکاسان جوان از این به بعد باید خوب ببینند، خوب عکس بگیرند و خوب برای آن بنویسند البته در این میان نباید دچار جشنواره جشنواره زدگی و کسب رتبه و مقام شوند و این همان نگرانی این روزهای جامعه عکاسی کشور است.

«World press photo» نام موسسه ای غیرانتفاعی و مستقل است که در سال ۱۹۵۵ میلادی در هلند پایه گذاری شده و تلاش دارد در حرف و در عمل بدون رویکردهای سیاسی و ملیتی از حرفه عکاسی و خبرنگاران حمایت کرده و در جهت توسعه آن بکوشد. کمتر عکاسی است که پس از دوره ای فعالیت حرفه ای به دنبال ارسال عکس در این مجموعه حتی در حد امتحان توانایی های خود نبوده باشد و هر سال بهترین عکس های گزارشگران خبری در بخش های مختلف ارائه و در نهایت بهترین عکس های سال در بخش های مختلف معرفی می شود. مجموعه World press photo در این سال ها بخش هایی نظیر بخش «خبری»، «عمومی»، «اسپات نیوز»، «ورزشی»، «مسایل معاصر»، «پرتره»، «زندگی روزمره»، «هنر و نمایش»، «طبیعت» و عکس های روایی در دو بخش تک عکس و مجموعه عکس بوده است و به گفته بسیاری از عکاسان هر دوره این رقابت جهانی نسبت به دوره قبل تغییرات زیادی دارد و نمی توان نوع نگاه و دلایل انتخاب در هر دوره را پیش بینی کرد چرا که در هر دوره حتما موضوعی جدید در نوع انتخاب و داوری عکس ها مد نظر قرار می گیرد.

در سال های اخیر محمد فرنود عکاس به نام و خوش سابقه سمنانی در سال های ۱۹۸۲ و ۱۹۹۱ برای عکس هایی از جنگ ایران و عراق و زلزله شمال (منجیل و رودبار) و عطاءالله طاهر کناره در سال ۲۰۰۴ برای عکسی از زلزله بم در این مسابقه مهم انتخاب شده اند و امسال نیز مجموعه عکس ابراهیم نوروزی پس از هشت سال و در شرایطی که بسیاری از عکاسان امیدی برای انتخاب ایران نداشتند به خاطر مجموعه ای که اعدام در ملاء عام و حضور مردم در بخش های مختلف را نشان می داد، در بخش - مسایل معاصر - این رقابت انتخاب شده است.



علی رفیعی

خلاء بنیاد تخصصی آموزش عکاسی خبری

عکاسی خبری یکی از پیچیده ترین شاخه های عکاسی است. این پیچیدگی تا به آن جاست که بسیاری معتقدند عکاسان برای ورود به آن، باید راهی طولانی و ناهموار را پیموده و در بسیاری از ژانرهای عکاسی، مدتی را به تمرین و سیاه مشق سپری کرده باشند تا شاید پس از مدتی آموزش و یادگیری، خود را آماده برای دست و پنجه نرم کردن با این راه دشوار ببینند. اما با وجود تمام سختی ها و گزندها، جمع عظیمی از علاقه مندان به مقوله دوربین و تولیدات اش، در بدو ورود به دنیای عکاسی، عرصه خبر را برای فعالیت برمیگزینند. شاید جذابیت های پیدا و پنهان در رگ و پی عکاسی خبری این وسوسه را به جان جوانان علاقه مند می اندازد و یا این نکته آن ها را وسوسه می کند که می بینند حاصل کار عکاسان خبری هر روز در روزنامه ها، مجلات و خبرگزاری ها در مقابل چشمان خیل عظیمی از مردم قرار می گیرد، دست به دست می شود و گاه نیز جنجال می آفریند.

این جاست که سنگ بنای یک اشتباه تکراری رقم می خورد. عکاس نوپا می بایست خود را در محیط خشک مطبوعاتی با حرفه ای هایی - گاه مغرور- طرف ببیند تا ظرافت های کار را بیاموزد. شاید تک و توک اند عکاسانی که در برابر تشرهای ریاستی محیط رسانه دوام بیآورند و چه بسیارند عکاسانی که همان روزهای نخستین، طعنه های نیشدار سردبیران و خبرنگاران کهنه کار را تاب نمی آورند و عطای کار را به لقایش می بخشند و از همان سیاه قلم کاری های مستند اجتماعی هم دلسرد می شوند. اما هستند کسانی که این دوران را سپری کنند و شاید سال ها بعد، خود تبدیل به یکی از همان حرفه ای های مغرور شوند، یا تنگناهای بسیار و استرس زای عکاسی خبری در سال های گذشته، شیشه حوصله شان را آنقدر نازک و شکننده کند که از مقوله آموزش حین کار به جوان ترها گریزان باشند که در هر دو صورت چرخه معیوب پرورش و آموزش عکاس خبری هم چنان ادامه خواهد داشت.

با توجه چند مؤلفه مهم نظیر جوان بودن جامعه عکاسی ایران، تعداد زیاد فارغ التحصیلان این رشته و نیز وضع سیاسی کنونی جهان و تحولات جاری در منطقه و همچنین پیشرفت شتابان و روزافزون سلیقه و اشتباهات بصری خبرگزاری های داخلی، ضرورت وجود بنیادی خاص برای دست چین کردن عکاسان و آموزش تخصصی عکاسی حرفه ای برای مطبوعات داخل کشور و به روز نگاه داشتن عکاسان شاغل در رسانه ها بیش از گذشته احساس می شود. در عین حال تورهای کوتاه مدت آموزشی خارجی که گاه از سوی بنیادهای بین المللی همانند وردپرس، مگنوم و غیره برگزار می شود و تعداد کمی از عکاسان (گاه حتی نامرتب به عکاسی خبری) شانس شرکت در آن را به دست می آورند، دردی از عکاسی خبری کشور دوان نمی کند. در ثانی امکان ادامه ارتباط مستمر با بنیادهای فوق و آپدیت آموزش های بدست آمده برای عکاسانی که این دوره ها را سپری کرده اند، هیچ گاه به دست نخواهد آمد و این امید وجود دارد که نهادهای مرتبط، به جای تاسیس انجمن های رنگارنگ و بیشتر تزئینی برای جامعه عکاسی کشور، با راه اندازی چنین سیستمی، پایه های آموزش حرفه ای را مستحکم تر کنند.



مهدی قاسمی

آغازی نو برای عکاسی ایران

موفقیت یک شخص در زمینه های مختلف عکاسی و عدم قدردانی دیگران و یا بی اعتنایی نسبت به این موفقیت یکی از موضوعاتی است که نوشتن در باره آن برایم سخت است چرا که نگران وارد شدن برخی خاطرات شخصی خودم به این موضوع هستم.

اخیرا دوست و همکار خوبم ابراهیم نوروزی در مسابقه جهانی world press photo مقام دوم را با یک مجموعه عکس بدست آورد و باعث شادی بسیاری از دوستان و همکاران شد. اما آن چه در این میان آزاردهنده است رفتار و اظهار نظرهایی است که متأسفانه سال ها است در جامعه کوچک هنری و رسانه ای شایع است و دلایل مختلف هم دارد که نتیجه واحد دارد. نادیده گرفتن، تحقیر کردن و ندیدن یک موفقیت شاید ریشه در ناکامی یا حسادت یا بسیاری دلایل شخصی داشته باشد ولی متأسفانه تنها تاثیر این بدرفتاری دلسرد شدن جوانان و دلگیر شدن آنان از فضای حرفه ای است.

قطعا تحسین بی جا باعث ایجاد شخصیت کاذب برای یک عکاس می شود ولی تحسین بعد از یک موفقیت در این ابعاد و حرکتی رو به جلو و درست باعث ایجاد انگیزه برای ادامه راه و تلاش بیشتر می شود.

تا جایی که می دانم حرکات و حرف های برخی از دوستان باعث دلگیر شدن ابراهیم نوروزی شده است اما بر اساس تجربه شخصی تنها پیشنهادم به این دوست عزیزم «سکوت و نشیندن» حرف هایی است که باعث توقف در حرکت او می شود.

هر چند که این نوع رفتارها که شاید بهتر است اسم آن را بی اخلاقی بگذاریم نسبت به سال ها پیش کمتر شده است اما هنوز هم به فراخور موضوع و زمان های خاص خود را نشان می دهد و من امیدوارم بهار پیش رو آغازی نو برای عکاسی ایران باشد و دریافت این جایزه انگیزه های نو را به جامعه عکاسی به خصوص دوستان جوانتر بدهد و همه ما یاد بگیریم با نگفتن حرف هایی که باعث رنجش دیگران می شود به کشتن انگیزه در جوان های پر تلاش و خوش فکر پایان دهیم.

این موفقیت چه به نام ابراهیم یا هر فرد دیگر، امتیاز و چراغ روشنی برای جامعه عکس ایران است که باید آن را فارغ از فرد و جایگاه ارج بگذاریم و سعی در بزرگ و بیشتر کردن و پروبال دادن به آن باشیم.

ESS PHOTO

اگر بگوئیم ۹۰ سال اسکار ایران بود، چندان دور نیست و تقریباً همزمان با اصغر فرهادی که مثل قهرمانان ورزشی پرچم ایران را در بین کشورها برای اسکار شیرینش بالا برد، ابراهیم نوروزی هم بعد از سال‌ها در رقابت بزرگ world press photo پرچم ایران را بالا برد و جایگاه عکاسی ایران را تکانی داد. نوروزی حالا و بعد از این انتخاب، خوشحالی‌های بعد و حرف‌های و حدیث‌های در ادامه‌اش که انگار خیلی بیشتر بوده و بی‌انصافی در حق خود و جایزه‌اش بوده دنبال برنامه‌های بزرگ و مهم دیگری است. او قصد دارد در فضای بی‌تفاوتی و کم‌کاری بسیاری از دوستانش راهی نو در مالتی مدیا و مستند باز کند و برای این کار هم می‌خواهد آژانس عکس ایران را به شکی فعال در سال ۹۱ اجرایی کند.

خودم و اینکه لازم بود برای کار مستند وقت بیشتری بگذارم، بود. پس از آن در موسسه ایران مشغول به فعالیت شدم و قرار شد آژانس عکس ایران را که از نظر جامعه عکاسی کار خوب و حرفه‌ای بود، آغاز کنم اما به مرور به آنچه می‌خواستیم نرسیدیم و تا اوایل سال ۹۰ در مجموعه ایران مسئولیت بخش ایران دلی، ایران ورزشی، الوفاق و چند مجموعه دیگر را بر عهده داشتیم اما در آنجا هم تغییر مدیریت اتفاق افتاد و مدیران جدید اهمیتی به آنچه ما برای عکس برنامه‌ریزی کرده بودیم ندادند. در حال حاضر نیز در روزنامه جام جام مشغول به فعالیت هستم.

وی تاکید می‌کند که در این سال‌ها به دنبال فعال کردن آژانس عکسی با قابلیت‌های مورد توجه برای ایران بوده است و می‌افزاید: به خصوص در شرایطی که بسیاری از آژانس‌های بین‌المللی موضوع مالتی مدیا را به عنوان یکی از اولویت‌ها و موارد جدی در دستور کار خود قرار داده‌اند، بهتر است ما نیز هر چه زودتر وارد این فضا شویم و من به طور جدی دنبال این هستم که در آژانس عکس مورد نظرم

نوروزی از سال ۸۳ در خبرگزاری فارس با حضور در بخش IT به طور غیر مستقیم وارد دنیای عکاسی شده و در سفرهای مختلف همراه عکاسان بوده و به مرور و با گرفتن تجهیزات عکاسی و گذراندن دوره‌های مختلف و کار تجربی عکاسی را آغاز کرد و اضافه می‌کند: پس از حضور در سفرهای مختلف استانی و همراهی با عکاسان مختلف، عکس‌های متفاوتی را ثبت کردم و پس از مدتی خروجی کارم مورد توجه عکاسان دیگر قرار گرفت و نتیجه کارهایم دیده شد و پس از آن به مرور به شکل جدی عکاسی را آغاز کردم.

او در این سال‌ها و تا این‌جای کار مشکلات زیادی داشته و سختی‌های زیادی را متحمل شده و در توضیح فراز و نشیب کار در این سال‌ها می‌گوید: تا سال ۸۸ در خبرگزاری فارس مشغول بودم، اما پس از انتخابات و اتفاقاتی که مدیریت این مجموعه رخ داد از این مجموعه جدا شدم. این جابه‌جایی هم به دلیل تغییر در خبرگزاری فارس و هم تغییر در علائق



معصومه اصغری

WORLD PRESS PRIZI NOUROZI

■ نوروزی اذعان کرد که انتخاب در این رقابت برای خودش نیز تکان‌دهنده بود و گفت: پس از انتخاب خوشحالی زیادی داشتم و در آن زمان دیگر احتمال انتخاب عکسم به یقین تبدیل شده بود. در زمان اعلام خبر با مهدی قاسمی و یلدا معیری از برنامه برمی‌گشتیم و در حال خوردن آش بودیم که ابوالفضل نسایی - از دوستانم - برای تبریک با من تماس گرفت و من مثل خیلی از مواردی که دوستان شوخی می‌کنند به تصور اینکه باز هم شوخی می‌کنند از او خواستم که چنین شوخی بدی را با من نداشته باشد، چون واقعا ناراحت می‌شوم اما بعد متوجه شدم که شوخی در کار نبوده و واقعا انتخاب شدم.

■ پس از اعلام این جایزه واکنش‌های مختلفی در مورد این انتخاب و خود نوروزی مطرح شد هرچند که اخبار منتشر شده در موردش خیلی کم بود و نوروزی در رابطه با واکنش دوستان و سایر جامعه عکاسی نسبت به این انتخاب دخور است اما دلش نمی‌خواهد در مورد این موضوع صحبت زیادی داشته باشد.

مسابقه شرکت می‌کردم، البته در سال‌های اول و دوم دقیقا نمی‌دانستم که باید به چه شکل و با چه عکس‌هایی وارد این رقابت شوم، به همین دلیل موفقیتی نیز نداشتم، چراکه اساسا شرکت در چنین رقابت‌هایی باید حساب‌شده و کاملا آگاهانه باشد، چراکه انتخاب هر عکس و زاویه نگاه ما نشان‌دهنده موقعیت اجتماعی خودمان و کشورمان خواهد بود. وی ادامه داد: در سال اول و دوم به همین دلایل انتظار برنده شدن نداشتم اما به نظرم کارهای ارائه شده ارزش دیدن را داشت. اما در دوره قبلی و این دوره اگرچه باز هم انتظار انتخاب شدن را نداشتم، اما به نظرم عکس‌ها ارزش دیده شدن را داشتند. در زمانی که قصد شرکت در این مسابقه را داشتم، خیلی‌ها می‌گفتند که از ایران کسی انتخاب نخواهد شد و سال‌هاست به ایران امتیاز و انتخاب نمی‌دهند، مگر اینکه اتفاق و حادثه خاصی بیفتد چرا که پیش از این و حدود ۸ سال پیش عطا طاهرکناره برای عکسی از زلزله بم در این رقابت انتخاب شده بود، اما پس از آن کسی موفق به دریافت این جایزه نشده بود.

موضوع مالتی‌مدیا فعال شود و بتوانیم افرادی که تاکنون در این زمینه اقدامات موثری را انجام داده‌اند برای ورک شاپ‌های داخلی دعوت کنیم. وی تاکید می‌کند که دغدغه این روزهای او تاسیس آژانس عکس و فعال کردن مالتی مدیا نیست، اما نمی‌تواند نسبت به فقدان و کمبود این مساله در بین جامعه عکاسی بی‌تفاوت باشد و نمی‌تواند در شرایطی که بسیاری از عکاسان نسبت به این مساله بی‌اهمیت و یا ناآشنا هستند هیچ کاری نکنند. به همین دلیل در حال حاضر خود را موظف می‌داند تا بیشترین انرژی را برای انجام این کار بگذارد.

■ نوروزی دو دختر دارد و در تهران زندگی می‌کند تقریبا شخصیتی جدی دارد چرا که هرچقدر موضوع صحبت را به سمت شوخی برخی از مسائل روز می‌کشانم باز هم کاملا جدی جواب می‌دهد تا این که سراغ سوال‌های جدی‌تر رفتیم و کلا فضا سنگین شد.

او در مورد علت شرکت در جایزه world press photo توضیح داد: چندین سال بود که در این



وی با انتقاد از برخی عکاسان به خصوص پیشکسوتان گفت: همیشه در مورد انتقاد از دیگران یک پای ثابت ماجرا هستیم، اما زمانی که پای انتقاد خودمان به میان می‌آید دیگر هیچ صحبتی نمی‌کنیم و همه مسائل به سمت بی‌تفاوتی و سکوت پیش می‌رود. در عین حال جای سوال هست که اگر شخص دیگری غیر از من این جایزه را می‌گرفت باز هم این نوع برخورد نسبت به دریافت این جایزه وجود داشت و رسانه‌های تخصصی عکس همین نوع پوشش خبری را داشتند؟

پس از انتخاب نوروزی در این رقابت حرف‌های متفاوت زیادی در مورد گرفتن این جایزه توسط ایران و عکاس‌اش و حتی موضوع مجموعه انتخاب شده حرف‌های زیادی مطرح شد و او در مورد علت انتخاب مجموعه عکس با موضوع «عدم» در رقابت world press photo نیز توضیح داد: از نظر خودم علت انتخاب این عکس‌ها قطعاً موضوع اعدام به تنهایی نبوده است، چراکه در تمام عکس‌ها عامل انسانی به طور کامل به چشم می‌خورد و من در همه

را برای بسیاری از عکاسان جوان معرفی کنند و یا در مورد این صحبت می‌شد که اساساً گرفتن این جایزه چه تاثیری برای ما خواهد داشت. اما فارغ از رفتار و واکنش عکاسان و دوستان و برخوردهای شخصی این انتظار در مورد رسانه‌ها برآورده نشد و متأسفانه باید گفت که رسانه‌های تخصصی عکس با توجه به اینکه در اختیار برخی افراد است، کاملاً سلیقه‌ای و گروهی اداره می‌شود. بسیاری از دوستانی که من را می‌شناسند می‌دانند که در شخصیت من واکنش منفی نسبت به این موضوعات و رفتارها و بی‌مهری‌ها وجود ندارد و جایی نیز در مورد این موضوعات صحبتی نکرده‌ام تا کسی ناراحت نشود. اما اخلاق حکم می‌کند که چنین اتفاق مهمی نه برای من بلکه برای عکاسی ایران خیلی بیشتر مورد توجه قرار می‌گرفت تا در فضایی که بی‌انگیزگی و رخوت در بین عکاسان موج می‌زند، شرایط رنگی‌تر و بهتری ایجاد شود. قطعاً صحبت در مورد این موضوع می‌توانست بهتر از نگفتن آن، پنهان کردن یا بی‌تفاوتی نسبت به آن باشد، چراکه این جایزه قطعاً برای یک نفر نیست و من نیز خود را تنها مالک آن نمی‌دانم.

او در پاسخ به سوال ما گفت: در واقع واکنش خوبی از سوی بسیاری از دوستان و جامعه عکاسی نداشتیم؛ خیلی از دوستان از صمیم قلب تبریک گفتند و خوشحال بودند. هم به خاطر من و هم به خاطر جامعه عکاسی، چراکه بسیاری از آنها جنبه‌های مختلف این جایزه را درک می‌کنند. اما برای بسیاری نیز این انتخاب سخت بود و تبریک گفتن به من سخت‌تر، اما در نهایت تبریک گفتند. برخی هم با طعنه و کنایه تبریک گفتند و برخی دیگر نیز اصلاً اشاره‌ای نداشتند و در مجموع نوع برخورد آنها در مدت اخیر برای من خیلی گران تمام شد و سخت گذشت.

وی افزود: فکر می‌کردم این جایزه می‌تواند جامعه عکاسی را خوشحال کند و با توجه به ارتقای که در جامعه عکاسی به وجود آمد، اشخاصی از بزرگان جامعه عکاسی در مورد این موضوع صحبت کنند، اما هیچ صحبت و اشاره‌ای نشد و بسیاری از رسانه‌های عکس کاملاً سلیقه‌ای و با توجه به جایگاه شخصی خود با این موضوع برخورد کردند. انتظارم از جامعه عکاسی این بود که حداقل این جایزه و اهمیت آن



سخت است و من در این سالها تلاش کردم این عوامل انسانی را در چنین موضوعی به تصویر بکشم. البته هنوز هم از گرفتن عکس اعدام خسته نشدم و در فضاهای دیگر قطعا این کار را ادامه خواهم داد.

نوروزی سال ۹۰ را جدای از جایزه آخرش، سال خوبی می‌داند و امیدوار است در سال ۹۱ مجموعه آژانس عکس ایران به صورت رسمی فعال شود و او بتواند دو بخش مستند و مالی مدیا را به طور کامل و جدی در آن اجرایی کند، چراکه این شرایط برای خود و سایر عکاسان فایده زیادی دارد.

او در سال ۹۱ سوژه‌های شخصی‌اش در حوزه مستند و اجتماعی را ادامه می‌دهد و در تعطیلات نوروز هم برای دومین بار به افغانستان سفر می‌کند. او در این کشور برای ثبت بسیاری از مسائل از جمله موضوعی که خودش می‌گوید مربوط به یک شخص خاص است سوژه‌های زیادی دارد.



مهدی قاسمی

world press photo عکس‌های مرا به عنوان رتبه دوم انتخاب نمی‌کرد. ضمن اینکه غیر از این مجموعه در بخش تک عکس نیز آثاری را ارائه کرده بودم چراکه به هیچ وجه احتمال صددرصد نمی‌دادم چنین مجموعه‌ای انتخاب شود و این اطمینان واقعا وجود نداشت، اما کاملا مطمئن هستم که انتخاب آنها نه به خاطر موضوع اعدام و منفی بودن فضای آن بلکه به خاطر رعایت شرایط محیطی و انسانی آن بوده است. در همه فضاها و محیط‌های اعدامی که در این چند ساله حاضر شده‌ام به هیچ عنوان با رویکرد خبری حاضر نمی‌شدم و در مورد این مجموعه نیز به هیچ وجه به دنبال گرفتن عکس با هدف حضور در جشنواره نبوده‌ام. حتی بسیاری از مراسم‌های اعدام برای من سخت تمام شد و بدون گرفتن حتی یک عکس از بسیاری از آنها بیرون آمدم. این محیط‌ها و دخالت انسان‌ها در آن فضا؛ از فردی که جرم را مرتکب شده تا فردی که حکم را اجرا می‌کند و افرادی که آمده‌اند تا اجرای حکم را ببینند همه و همه در این فضا دخیل هستند و چنین فضایی انسان، روحیه انسانی، اخلاق انسانی و در مجموع فضای تلخی را ایجاد می‌کند که به تصویر کشیدن آن واقعا

عکس‌هایم از جمله این مجموعه موضوع عامل انسانی را به طور جدی پیگیری می‌کنم. بسیاری در این مدت در انتقاد از این مجموعه عکس و جایزه‌ای که من گرفته‌ام این حرف را گفتند که «چون مجموعه در رابطه با اعدام و محدودیت‌های عکاسی در ایران و همچنین برخی موضوعات سیاسی مرتبط با آن» بوده است این جایزه را گرفته‌ام، در حالی که این حرف درست نیست و افرادی که این موضوع را مطرح می‌کنند جایگاه world press photo را نمی‌شناسند چراکه این مجموعه کاملا به صورت ژورنالیستی، حرفه‌ای و هنری کار می‌کند و به هیچ وجه در این سال‌ها موضوعات سیاسی را در کار خود دخالت نداده است. در عین حال در سال‌های گذشته تاکنون افراد بسیاری به صورت پنهانی و یا آشکار از مراحل متفاوت اعدام در شهرهای مختلف در ملا عام و یا بدون حضور مردم در شرایطی متفاوت عکس‌های مختلفی برای این مسابقه ارسال کرده‌اند، اما هیچ‌یک از آنها در این سال‌ها انتخاب نشده‌اند. در واقع این مجموعه انتخاب شده چون حرفی برای گفتن دارد و تک‌تک عکس‌های آن برای خودشان به طور کامل معنی‌دار هستند و اگر این‌طور نبود قطعا



سالی که گذشت دوربین.نت سال موفق‌تری را پشت سر گذاشت. یکی از موفقیت‌های دوربین.نت حضوری فعال در جشنواره رسانه‌های دیجیتال بود. هر روز یک عکاس و عکس‌هایش میهمان غرفه دوربین.نت بودند و نمایشگاهی از عکس‌هایشان در غرفه دوربین.نت برگزار شد. در صفحات بعدی گزارش تصویری و مصاحبه‌هایی از عزیزی که نمایشگاه عکس داشتند را می‌بینید و می‌خوانید. همچنین در سیدی ضمیمه مصاحبه‌های این عزیزان را می‌توانید ببینید.







مهدی قاسمی: هیچ فضای امنی نیست اما باید کارت را بکشی

عکس‌های قاسمی به دلیل به روز بودن سوژه و نشان دادن عمق فاجعه‌ای که همین حالا در کشور محروم سومالی اتفاق می‌افتد مورد استقبال بیشتر و متفاوتی مواجه شده و تصاویر کودکان محروم و در حال احتضار و قحطی زده در قاب کوچک نمایشگاه ما به چشم‌های زیادی گره خورد.

قاسمی به شرایط متفاوت کشور سومالی پس از ۲۰ سال جنگ داخلی با کشورهای دیگر و حتی کشورهای دور و اطراف خود در افریقا گفت و این که بخش زیادی از این شرایط بد و اسفبار در این سال‌ها وجود داشته و حالا با این قحطی به اوج نابسامانی رسیده است.

او دو هفته با نیروهای هلال احمر ایران در شهر موگادیشو و در کمپ‌های مستقر شده توسط کشورهای کمک دهنده که بیشترشان مسلمان هستند بوده و در ادامه از شرایط خوب و بد آن می‌گوید: حضور گروه‌های تندرو الشبাব جلوی کار عکاسی و خبرگیری را به شکلی جدی و خطرناک گرفته و درگیری گروه‌ها باعث شده که هیچ فضای امنی وجود نداشته باشد. بدون محافظ نمی‌توان در این محیط‌ها تردد کرد و از هر چیزی هم نمی‌توان



رضاموسوی: عکس خوب تئاتر ربطی به تئاتر خوب و بد ندارد

موسوی با مجموعه‌ای از عکس‌های سیاه و سفید تئاتر لیرشاه که توسط گروهی غیرایرانی اجرا شده بود در نمایشگاه غرفه دوربین دات نت در نمایشگاه رسانه‌های دیجیتال حاضر شد. او عکس‌ها را سیاه و سفید انتخاب کرده چرا که فضای تیره سالن نمایش و لباس‌ها کنتراست زیبایی با تاج لیرشاه داشته و عنصر اصلی تاج در اکثر عکس‌ها به چشم می‌خورد.

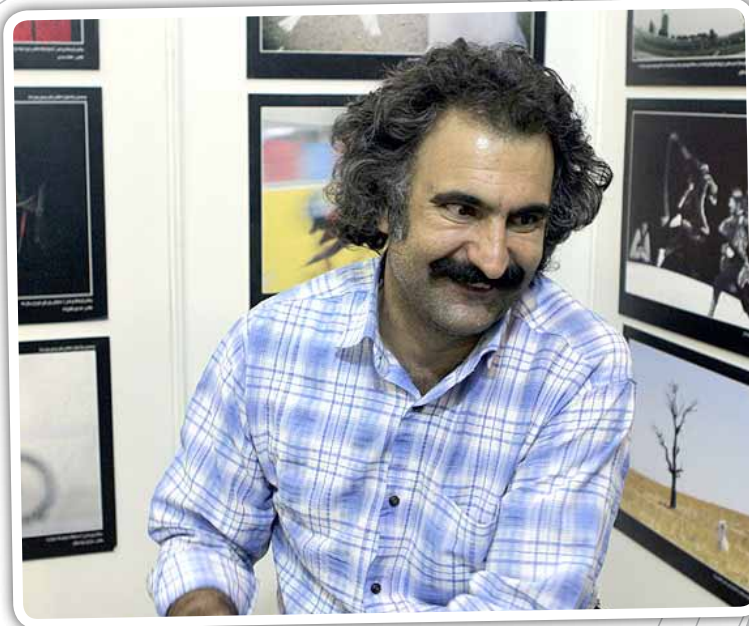
وی معتقد است برخی اتفاقات در فضای عکاسی تئاتر اگرچه به خودی خود خوب نبوده اما در نهایت اثر مثبتی برای عکاسی تئاتر داشته و حساسیت روی کیفیت تئاتر را بیشتر و عکاسان جدی تری را وارد عرصه تئاتر کرده است و می‌گوید: در شرایط فعلی جامعه دوربین به دست گرفتن در فضای خیابان سخت و پر در درسر شده و اگر اتفاقی رخ دهد عکاس مسئول مستقیم اقدامات خود است.

موسوی معتقد است عکاسی خوب از تئاتر ربطی به خوب یا بد بودن تئاتر ندارد و عکاس خوب عکاسی است که از شرایط و فضای بد و یا سخت تئاتری که حوصله را سر می‌برد عکس و فضایی خوب را به نمایش بگذارد.

وی به افزایش علاقه‌مندان به عکاسی تئاتر نسبت به سال‌های قبل اشاره می‌کند و می‌گوید: عکاسی تئاتر جذاب و جالب است اما به همان اندازه آسیب‌پذیر هم هست و با بی‌مواظی و بی‌پروایی برخی عکاسان فضای کار خراب می‌شود و در واقع عکاسی تئاتر مثل حرکت روی لبه تیغ است. به همین دلیل نباید با جزدگی و شتاب پیش رفت و باید بیشتر در پرورش نیروهای جدید تلاش کنیم چرا که جای آموزش در بین عکاسان تئاتر خالی است.

وی به قرار دادن امکان عکاسی در برخی از تئاترها اشاره کرد و اینکه پس از برگزاری دوره‌های مختلف بین عکاسان علاقه مند حالا ۱۶۰ تا ۱۷۰ عکاس تئاتر شناسایی شده که کارهایشان تحت نظر و بررسی است و نتایج این اقدامات را حداقل ۵ سال دیگر که عکاسان خوب تئاتر داریم، خواهند دید.

این عکاس تئاتر از نبود فضای نمایشگاهی مناسب برای عکاسان جوان گفت و این که بسیاری از عکاسانی که وارد فضای تئاتر می‌شوند شناختی از تئاتر ندارند و فقط تئاتر را در لحظه می‌بینند و عکس می‌گیرند.



حسین غفاری: سفر خیلی گران شده!

حسن غفاری از جمله عکاسانی است که تقریباً همیشه به تنهایی عکاسی کرده اما در موارد زیادی همراه عکاسان بوده و نمی‌شود او را از جامعه بزرگ عکاسان حوزه‌های مختلف جدا کرد و البته روحیه خودمانی و شوخ و گه‌گاه معترضش در این همراهی بی‌تأثیر نبوده است. او با مجموعه‌ای از عکس‌هایش که مربوط به روستاهای مختلف ایران ما است تلاش کرده حجم و روند استفاده بی‌رویه از منابع جنگل‌ها علی‌رغم بهره‌مندی از یارانه‌های سوخت را به تصویر بکشد که موفق هم بوده است.

رشته تحصیلی غفاری عکاسی بوده اما حالا دیگر به اندازه یک پژوهشگر یا مردم‌شناس اطلاعات و تجربه دارد و نشستن پای حرفش قطعاً طولانی خواهد بود. عرق ناسیونالیستی اش قوی است و با حساسیتی خاص در مورد عکاسی در بین قومیت‌ها و عشایر و یا شهرهای کوچک و شهرستان‌های محروم یا سنتی صحبت می‌کند و می‌گوید: عکاسی مستند اجتماعی شاخه‌ای از عکاسی و عکاسی خبری است با این تفاوت که خارج از فضای شهر و در میان عشایر و روستائیان و با گرایش‌های قوم‌شناسی انجام می‌شود، همه عکاسان به رفتن در چنین فضاهایی آن هم در فرصت کافی علاقه دارند اما عموماً به دلایلی چون نداشتن اطلاعات لازم در مورد این فضاها و عدم تطابق و نیز گران بودن این سفرها و پروژه‌ها دیگر انگیزه ندارند و ترجیح می‌دهند در همین فضای کلاسه شده و روتین شهری بمانند.

غفاری تأکید دارد که استفاده از تورهای عکاسی برای عکاسان تازه کار که نیاز به تجربه دارند مناسب و جوابگوست چرا که برنامه‌ریزی تور کمک خوبی برای جبران برنامه‌ریزی عکاس دارد اما این قاعده را برای خودش چندان قبول ندارد و می‌گوید: من از همین فضاها کار را شروع کرده‌ام و در همین فضا باقی مانده‌ام و در این سال‌ها دوستان و آشنایانی را برای خودم دارم که بسیاری از هزینه‌های مادی و معنوی و حرفه‌ای کار و سفرهایم را پوشش می‌دهند. در عین حال شناختم از ایلات و عشایر مناطق مختلف و سران ایل و قوم آنها موقعیت‌های خوبی را برایم به وجود آورده است.

او معتقد است که برای عکس خوب از قومیت‌های مختلف باید فرهنگ و ظواهر شهر خود را کنار بگذاری و همرنگ جایی که در آن قرار می‌گیری شوی و گرنه از سوی آن گروه یا قوم پذیرفته نخواهی شد و اضافه می‌کند: عکاسی مستند اجتماعی نمایش و تخریب قومیت‌ها و یا نشان دادن مشکلات و فقر میان آنها نیست بلکه برای یادآوری، بهبود اوضاع و ارائه راهکار است و من همواره تلاش کرده‌ام که به شناخت اقوام مختلف ایران در دهه‌های حاضر بپردازم و نشان دهم آنها با وجود سنت و آدابی که هنوز در بینشان هست چطور زندگی می‌کنند.

این عکاس مستند اجتماعی اما در مورد ادامه سفرهای خودش و وجود فضای مناسب برای عکاسان دیگر اظهار ناامیدی می‌کند و می‌گوید: دیگر سفر به نقاط مختلف صرفه اقتصادی ندارد و عواملی نظیر شهری شدن فضاهای بکر روستاها، نبود امنیت لازم، بی‌اعتنایی نسبت به مسائل اخلاقی و عکاس و در نهایت افزایش قیمت بنزین باعث شده کوتاهترین سفرها هزینه بردار باشند و عکاسان تمایلی به سفر رفتن نداشته باشند.



عکس گرفت. در همین شرایط احتمال تیراندازی و گروگان‌گیری وجود دارد و در روزهای آخری که در این محیط بودیم شنیدیم که تصویربرداری از کشور مالزی هدف شلیک گروه‌های تندرو قرار گرفته است.

او می‌گوید: در فضایی باید از زنان و کودکان و محرومیت آنان عکس گرفت که صدای ممتد تیربارها و انفجارهای گاه‌وبیگاه می‌آید و باید بدون توجه به آن‌ها کار عکاسی‌ات را انجام دهی چرا که من با گروه‌های هلال احمر امکان کافی برای فعالیت نداشتم و باید از حداکثر زمان و فضا استفاده می‌کردم و قطعاً عکاسانی که به صورت شخصی و جداگانه به سومایی رفته‌اند دست بازتری برای عکاسی در فضاهای مختلف داشته‌اند.

قاسمی معتقد است که ارگان‌های دولتی کشورمان در چنین فضاهایی کمترین توجه را به رسانه‌ها و به خصوص به عکس دارند و در عین حال هیچ مسئولیتی در قبال حضور عکاس قبول نمی‌کنند و امکاناتی هم به تبع در اختیار قرار نمی‌دهند؛ به عبارتی نبود امنیت را بهانه محدودیت‌ها می‌کنند به همین دلیل باید از فرصت‌ها حداکثر استفاده را کرد.



جاویدنیکپور: هیچ کس سر جای خودش نیست

■ بسیاری از عکس‌های ورزشی نیکپور را بسیاری از مردم بارها دیده‌اند. عکس‌هایی که هم سوژه‌اش معروف و مهم بوده و هم عکاس در بهترین نقطه و بهترین شرایط قرار داشته و در نهایت عکسی تحویل مخاطب داده که جذبه و هیجان خودش را دارد.

■ نیکپور همان ابتدای کار دو اصل اساسی در عکاسی ورزشی یعنی محل خوب و پیدا کردن زاویه دید عکاسان دیگر به خصوص در مسابقات بین‌المللی را مورد تأکید قرار می‌دهد و اضافه می‌کند: در بسیاری از مسابقات آسیایی یا جهانی بهترین محل‌ها برای عکاسان شبکه‌های اصلی خبری و یا عکاسان کشورهایی است که بیشترین شانس برای مدال را دارند و عکاسان ایرانی اگر بخواهند منتظر گرفتن محل خوب باشند از اصل ماجرا عقب می‌مانند، به همین دلیل باید با تجربه قبلی، ریزنی و دوستی و البته به کارگیری زبان خارجی محلی را به موقع پیدا کنند.

■ نیکپور به دیدن سایت‌های خبری و پیگیری آخرین اخبار روز و عکس‌های عکاسان دیگر تأکید دارد چراکه در همان مسابقات و ورزشگاه‌ها کمک زیادی به عکاس ورزشی می‌کند. مزیت کار در عکاسی ورزشی به خصوص در مسابقات بین‌المللی استاندارد بودن بسیاری از شرایط و نزدیک بودن بسیاری از امکانات و بهترین میزبانی‌هاست اما اگر در این شرایط نتوانید با زبان خارجی مکالمه داشته باشید قطعاً با مشکل مواجه شده و کارایی‌تان افت قابل توجهی



سیاوش حبیب‌اللهی: عکاسی خوب و حرفه‌ای مثل میت روی زمین مانده است

■ شروع کار حبیب‌اللهی با روزنامه کیهان در سال ۵۹ بوده و قبل از آن کار آزاد داشته و به قولی خودش هم آزاد بوده و حالا هم هنوز آزاد است.

■ در دوران جنگ عکاس نبوده اما چند تا از عکس‌های خوب کارنامه‌اش از روزهای اعزام به جبهه‌ها بوده و او فقط لحظه‌های نابی را ثبت کرده که حالا بعد از این همه سال هنوز هم ناب هستند!

■ حبیب‌اللهی عکاسی مستند را هم جزوی از کار خبری می‌داند که سوژه برای کار در آن زیاد است و فقط باید با علاقه دل به این دریا زد. او می‌گوید که عکاسی خوب و حرفه‌ای و دنیای سوژه‌های خوب مثل میت روی زمین مانده و دیگری که اون نمی‌خواد خیلی در موردشان حرف بزند نمی‌داندنند چطور این میت را دفن کنند و ما و دیگری مثل ما در حال عزاداری برای او هستیم و این شرایط خیلی تلخ است! او تأکید دارد که کارهای خوبی از سوی عکاسان اتفاق نمی‌افتد. نه نسل‌های قدیمی‌تر به دنبال تربیت و یاددهی به نسل جدید هستند و نه نسل‌های جدید به دنبال یادگیری هستند و در تسلسلی از روزمره‌گی عکس گرفتار شده‌ایم. بسیاری از حوزه‌های کاری عکس دور و منفک از یکدیگر فعال هستند و نبود فضایی مشترک بین همه در بین عکاسان جدید به خوبی احساس می‌شود.

■ او علاقه‌ای به دخالت در این فضا و حرف و حدیث‌های ادامه آن ندارد اما دورادور مراقب و نگران است و معتقد است در آینده نزدیک از این شرایط برای عکس و خلاها و محدودیت‌هایی که برای عکس وجود دارد آسیب و ضرر زیادی خواهیم دید و بخش قابل توجهی از موضوعات جامعه ثبت نخواهد شد.

■ حبیب‌اللهی می‌گوید: عکاس به عنوان یکی از اعضای جامعه که وظیفه ثبت وقایع را دارد باید در بطن بسیاری از مسائل باشد اما متأسفانه سرشان به چیزها و مسائل دیگری در این روزها گرم شده و کارهای دیگری می‌کنند.

■ من بیشتر به دنبال حاشیه‌ها در اتفاقات و وقایع هستم و چشمم بیشتر این مسائل را می‌بیند و در بیشتر موارد دیگران از این نگاه غافل هستند. در عکس‌ها زمان را حذف می‌کنم، یعنی عکس‌ها تاریخ مصرف ندارند و می‌توان آن را در دوره‌های مختلف دید! حبیب‌اللهی در نمایشگاه عکس دوربین دات نت با ده تک عکس شرکت داشت.



حسین کریم زاده: باید دوستی‌هایمان را برای کارمان حفظ کنیم

■ کریم‌زاده عکاس طبیعت و میراث فرهنگی است و با مجموعه عکس‌هایی از نگارهایی سنگی با نام بازگشت در نمایشگاه ما حضور داشت؛ عکس‌ها مخاطب را به حال و هوای آثار تاریخی و در عین حال بازگشت خاک و سنگ از نقوش و مجسمه‌هایی در دل دیوارها به ماهیت اصلی خود یعنی خاک و سنگ متوجه می‌کرد.

■ او به فعال بودن انجمن عکاسان میراث فرهنگی با حدود ۸۰ عضو اشاره دارد و می‌گوید: متأسفانه تاکنون کارهای خوبی در حوزه آموزش و تربیت نیروهای جدید و جوان نداشته‌ایم و این کار نیاز به سفر و رفتن به فضاهای تاریخی دارد اما این اقدام با شرایط فعلی هزینه‌ها و حذف یارانه بنزین با مشکلات زیادی همراه است. اگرچه این نوع سفرهای راحت نیستند اما معمولاً از آشنایی‌ها و دوستانمان و در برخی موارد از سازمان میراث فرهنگی کمک می‌گیریم.

■ وی به این مسئله اشاره دارد که عکس طبیعت و میراث را فرد یا ارگان خاصی خریداری نمی‌کند و می‌افزاید: سال‌های قبل از سوی برخی سازمان‌ها و ارگان‌ها پروژه‌های عکاسی وجود داشت اما حالا دیگر چنین اقداماتی منسوخ شده است. در عین حال مطبوعاتمان هم قاعده‌ای را برای خریداری عکس ندارند و به دلیل دسترسی‌های گسترده اینترنتی بدون هیچ قاعده‌ای عکس‌ها کپی و استفاده می‌شوند. اما کریم زاده فارغ از همه اینها هنوز هم لذت بی‌شائبه عکاسی میراث و طبیعت را با چیز دیگری عوض نمی‌کند و از شناخت تاریخ و جزئیات و ثبت آنها سر شوق می‌آید.

■ او به عکاسان جوانی که به این عرصه می‌آیند توصیه می‌کند که دوستان زیادی داشته باشند و آنها را حفظ کنند چرا که در این حوزه دوستان در شهرهای مختلف کمک بزرگی هستند و این رابطه متقابل کمک و دوستی باید حفظ شود و در ادامه می‌گوید: عکاسان قدیمی‌تر معمولاً از انتقال تجربه‌های خود به عکاسان جوان دریغ نمی‌کنند و در جریان سفرها راهنمایی و جریان سازی آنها مشهود است.



می‌کند.

این عکاس ورزشی معتقد است اخلاق در میان ورزشکاران و در میادین ورزشی وجود دارد اما خیلی کم است. در عین حال عکاسان ورزشی هم درگیر بسیاری از این شرایط و اتفاقات شده و و بسیاری از اصول اولیه شغل خود و حتی مسائل اخلاقی را رعایت نکرده و باعث می‌شوند ورزشکاران و مسئولان ورزشی رفتار مناسبی با عکاسان نداشته باشند.

■ او هم از نبود قاعده و قانون در مورد کپی‌رایت در ایران دلخور است و می‌گوید این موضوع همه کار را تحت تأثیر خود قرار داده و بسیاری از رسانه‌ها خود را در استفاده از عکس‌های عکاسان دیگر محق می‌دانند و به این ترتیب هیچ کس سرچای خودش نیست.

■ نیکپور معتقد است اطلاع عکاس از آخرین اخبار و دیدگاه تصویری او و در نهایت جوگیر نشدن در اتفاقات بازی و ورزشگاه و قرار گرفتن در کنار اتفاقات مهم بازی برای عکاس ورزشی لازم است و اضافه می‌کند: بسیاری از عکاسان ورزشی در لحظه ثبت عکس، عکس‌شان را نمی‌بینند چرا که در لحظه ثبت آن بوده‌اند و اگر بخواهند صحنه‌ای را ببینند دیگر نمی‌توانند آن را ثبت کنند و این از شرایط این حوزه کاری است.



| کاغذ پاره |

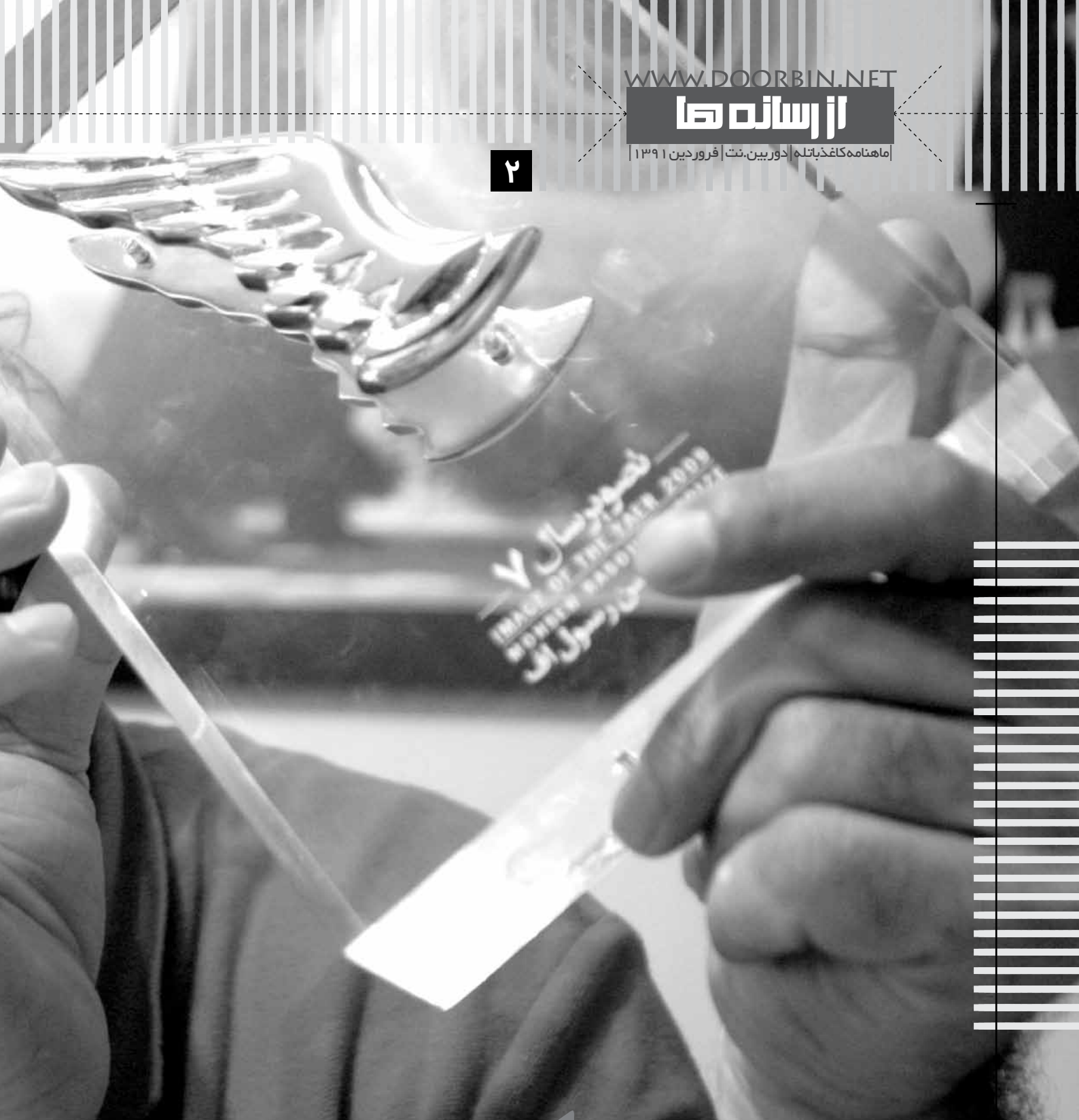
| نشریه داخلی اعضای دوربین |

| سال دوم دوره چندرنگ | شماره دوم |

| ۸۰ صفحه | خرداد ۱۳۹۶ |

مصائب صمدیان

صمدیان از جشن تصویر سال و سختی هایش می‌گوید



نگین نصیری / روزنامه شرق

صمدیان

از جشن تصویر سال و سختی‌هایش می‌گویند

روز بعد از اتمام داوری‌ها بالاخره توانستیم سیف‌الله صمدیان را پیدا کنیم؛ کسی که ۹ سال است جشن تصویر سال را برپا می‌کند؛ جشن مستقلی که امسال حدود یک هزار هنرمند را دور هم جمع کرده و حالا بعد از ۹ سال، خود صمدیان هم می‌گوید: «هدف تصویر سال روشن نگهداشتن این چراغ کم‌سو است. در مورد هر بخشی که با او صحبت می‌کنیم، نداشتن بودجه مناسب مطرح می‌شود. صمدیان می‌گوید آقایان باید توضیح دهند که بودجه‌های

برسند. در ۱۲ سال اول انتشار ماهنامه تصویر سعی کردیم این هدف را در نوع مطالب و لی‌اوت‌ها پیاده کنیم. ولی از هشت سال پیش یعنی از ۱۳۸۲ که همکاری‌مان به دلیل مشغله آن دوستان قطع شد، تصمیم گرفتیم مجله تصویر را به یک رویداد سالانه ارزیابی تصویر در کشور تبدیل کنیم؛ ارزیابی و نمایش کل آثار عکاسی، گرافیک، کاریکاتور و سینمای غیرتجاری این برنامه شکل دیگری به ایده ما داد و از آن ایده‌آل‌های انتشار یک ماهنامه فاصله گرفتیم. در اولین سال پادم هست که با ۱۲۰ هنرمند

و به این نتیجه رسیدیم که مجله عکاسی را که امتیاز آن به نام من بود، به «تصویر» تغییر نام دهیم. آرزویی که داشتیم و داریم این بود که بتوانیم پلی ارتباطی و حسی بین هنرهای تصویری باشیم؛ بین یک عکاس، فیلمساز، گرافیست و کاریکاتوریست. هنرمند این زمان باید از همه این هنرها سر در بیاورد. هنرمند باید چند وجهی باشد و من بهترین نمونه‌ای که سراغ دارم، پیکاسو است. سعی کردیم جاده رسیدن به این عوالم را بازتر کنیم تا جوانانی که استعداد دارند چند وجهی عمل کنند و به هدف‌شان

فرهنگی کشور را چه می‌کنند؟ با همه این سختی‌ها تصویر سال هنوز پابرجاست و امسال با برگزاری بخش ویژه، تهران را به دیگر پایتخت‌های جهان هم معرفی کرد. عمر جشن «تصویر سال» کم‌کم به یک دهه نزدیک می‌شود. سال ۱۳۸۲ که اولین دوره آن را برگزار کردید، چه اهدافی داشتید؟

تصویر سال فرزند خلف نشریه تصویر است که ۲۰ سال پیش با حضور هنرمندان بزرگی چون مرتضی ممیز و محمود کلاری شروع شد. سه نفری نشستیم

بدهند. چقدر عکس خوب و شاهکار در سطل آشغال رفته و پاک شده است. چون دیدی که یک ادیتور دارد، فرق دارد. ادیتور، بدون پیش زمینه ذهنی و حسی به عکس نگاه می کند. قرار نیست هر عکاس خوبی، ادیتور خوبی باشد ولی در کشور تعدادشان کم است. موقعیت کشور ما شرایطی را ایجاد کرده که عدالت در ارایه آثار در یک سطح مساوی رعایت نمی شود. کسانی که امکانات دولتی و نگاه های خاصی دارند، امکان بیشتری پیدا می کنند و کسانی که صاحب نگاه مستقل و پیشرفته تر هستند، امکان ارایه پیدا نمی کنند و همه این هجوم بر سر «تصویر سال» است. نمی گویم که تصویر سال مقابل همه امکانات دولتی است، ولی امکانات درست تقسیم نمی شود که بر فرض ارگانی بیاید بگوید ما در برگزاری یک بخش به شما کمک می کنیم.

من پنج بخش عکاسی را برگزار می کنم. احمد عالی که به عنوان دبیر میهمان در کنار ما بود به من می گفت، نمی شود بخش عکس ورزشی را حذف کنی؟ من هم از خدا می خواهم که این بخش را انجمن عکاسان ورزشی به صورت تخصصی برگزار کند ولی چون من با تصویر، طرف هستم؛ نمی توانم بخشی را جدا کنم. نهایتاً اینکه سعی می کنم حتی در این بخش هم با دیدی متفاوت عکس ها را انتخاب کنم. زیرا این عدالت به لحاظ بودجه فرهنگی نیست. ما مجبور هستیم تمام جوانان شهرستانی با استعداد را در تصویر سال شناسایی کنیم و به اندازه یک وجب جا برای ارایه آثار به آنها بدهیم. می دانم که این به ایده آل های ما لطمه می زند؛ ولی تصویر سال یک نهاد سالم غیرسیاست زده شده که می تواند هنرمند را بیشتر جذب کند. دولتمردان و کسانی که کارهای فرهنگی دست شان است، متوجه نیستند که این به نفع خودشان هم هست که کمی از سیاست جدا شوند، بودجه را درست تقسیم کنند، کمی فشار روی تصویر سال کم شود تا این جشن نمادی بسیار حرفه ای از شاخص های هر رشته هنری شود. مطمئنم عکس هایی که در سطل های آن موقع دیده نشده و عکس هایی که امروزه به سرعت پاک می شوند، شاهکارهایی از بخش تاریخ عکاسی اند که پاک می شوند. این را می گویم که بدانید حواسم هست بهترین های هر رشته را نشان دهم؛ حالا شاید تعدادی عکس زیاد هم در این بین باشد.

■ تصویر سال این وظیفه را نداشته که طی این ۹ سال، روی حافظه تصویری هنرمندان تاثیر بگذارد؟ وقتی شما برای انتخاب عکس، راحت می گیرید؛ هنرمند هم اثر خوبی نمی فرستد...
نه، اشتباه می کنید. اتفاقاً اگر ما راحت بگیریم، شاید همان عکس های شاهکاری را که پاک می کنند

■ مگر قرار نبوده تصویر سال بهترین های سال را نشان دهد؟ آیا سخت گیری بیشتر، کمک نمی کند که کیفیت تصویر بهتر شود؟
بله، ولی ما بیشتر از این، قدرت حذف عکس ها را نداشتیم. تصویر سال با منتخب هنرمندان شروع شد، ولی بعد فکر کردیم که به یک هنرمند شهرستانی که تا به حال دیده نشده و استعداد دارد هم باید فرصت دهیم. البته ما داریم هر سال محدود و محدودتر عمل می کنیم، اما امیدواریم در ۱۰ سالگی تصویر سال، به یک ایده آل برسیم. مطمئن باشید که عکس خوبی پنهان نمانده است. سعی می کنیم تا از این به بعد خروجی را محدودتر کنیم ولی باز هم می گویم آنقدر شرایط اقتصادی و برنامه زمانی ما پیچیده و مضطرب است که نمی توانیم دوباره کارهایی را که انتخاب اولیه شده اند بازبینی و حذف کنیم. این کار به ما فشار می آورد. با این کار حتی هزینه های مان هم کمتر می شود.

چون عکس ها را از نظر کیفیتی فوتو آرت چاپ می کنیم که در هیچ نمایشگاه جمعی با این وسعت این کار را نمی کنند. تا این لحظه هزینه های هم نگرفته ایم ولی امیدواریم از سال آینده بتوانیم ورودیه بگیریم. مشکلات مالی زیادی داریم که اگر بخواهم این موضوع را باز کنم، موقعیت بعضی نهادها و وزارتخانه ها به هم می ریزد. خیلی فشار مالی داریم، بر خلاف استعدادی که این جشنواره در آرامش دادن به هنرمندان دارد، اینها موجب می شوند در یک اضطراب زمانی کارهایمان را انجام دهیم که نتیجه اش همین می شود که نتوانیم تعداد بیشتری را حذف کنیم. ما تصویرسازهایی را که از مادیوم عکس استفاده می کنند، نمی توانیم از خودمان دور کنیم. در بخش خلاقه تعداد کمی هنرمند داشتیم که کار کرده بودند. ممکن است در بین کارها، آقای را ببینید که شبیه به کار هنرمند دیگری باشد. آقای کیارستمی می گفت اگر کسی کاری را کپی کند ولی چیزی به آن اضافه کند عین حلال است. دوره ما حتی کپی هم نداشتیم. حالا اینترنت این خطر را به همراه دارد که از طریق آن کپی کاری شود، با این حال ما سعی می کنیم از همه این کارها نمونه ای را به شما نشان دهیم.

■ از عکس های فرستاده شده راضی بودید؟
این را برای اولین بار است که می گویم. حرفی است که در دلم مانده: من با تجربه ۲۵ سال ادیتوری عکس و ۳۲ سال عکاسی فهمیدم که انگار عکاسان ماموریت دارند بدترین عکس هایشان را به مسابقات

منتخب نمایشگاه را برگزار کردیم.

■ بزرگ شدن تصویر سال با سیر صعودی شرکت کنندگان همراه بود. سال اول با ۱۲۰ نفر شروع شد و امسال از بین بیش از ۲۸۰۰ نفر، ۹۱۴ نفر را برای ارایه انتخاب کردید...

ما حدود دو هزار نفر را حذف کردیم. همین جا لازم است بگویم که هنرمندان، ما را ببخشند، چون هم برای حفظ اندازه ها و حرمت ها و هم به دلیل کمبود فضا مجبور هستیم بخشی از آثار را حذف کنیم ولی بیشتر سعی می کنیم آثاری را انتخاب کنیم که آنها را جای دیگری نمی شود دید.

■ فکر نمی کنید جشن امسال این قابلیت را داشت که عکاس های بیشتری از آن حذف شوند؟ خصوصاً از این نظر که هنوز هم عکس های تکراری روی دیوارهای خانه هنرمندان دیده می شود...

عکاسی پدیده عجیب و غریبی است که با تولد انسان شروع می شود. هر تصویری که می بینید در تارکخانه ذهن تان ثبت می شود ولی امکان ظهور آن را ندارید. از وقتی که می توانید، دوست دارید آن را منتقل کنید. در دنیا همه چیز به لحاظ موضوعی تکراری است. نمی توان در عالم هنر موضوعی را خط کشید و گفت تکراری است. تمام موضوعات جوامع بشری تکراری هستند ولی می بینید که ورود یک نفر به موضوعی خاص فرق می کند. پس من در تصویر سال نمی توانم موضوعات تکراری را کنار بگذارم. باید ورود و خروج جدید را کشف کنم. هر موضوع را ممکن است هر کس یک جور ببیند. ما صدها عکس تکراری را حذف کردیم و شاید دو عکس را برای نمونه روی دیوار گذاشتیم آن هم به تجربه دیداری ادیتور و دبیر یک جشنواره و هیات انتخاب بستگی دارد. آنها تعدادی را انتخاب می کنند که روی دیوار ببینید ولی اگر می خواستم نمایشگاه شخصی یا حرفه ای عکاسی بگذارم، شاید ۵۰ عکس روی دیوار می آوردم. سوال اینجاست که چرا بقیه را می گذارم؟ برای اینکه به جوانان آموزش دهیم وقتی می خواهند وارد حوزه ای شوند نمونه های آن را ببینند. سعی می کنیم هر سال عکس چاپی کمتر شود. عکس های چاپ شده عکس های ضعیف تری نیستند، ممکن است که دو عکس از مجموعه باشند و ما کل مجموعه را در اینترنت کپی نشان داده باشیم. ما ادعا نداریم که اینها بهترین عکس ها هستند ولی اینها واقعیت جامعه تصویرساز ما در قالب عکاسی بوده است.

■ پس فراخوان بدهید و بگویند عکس‌هایی را که می‌خواهید پاک کنید، برای ما بفرستید!

باورتان می‌شود یک‌بار می‌خواستم این کار را بکنم؟! می‌خواستم از یک مجموعه‌ای که کسی عکاسی کرده، عکس‌هایی را که خودشان فرستادند یک جا نشان دهم و عکس‌هایی از کتاکت‌شان را یک جای دیگر؛ تا عده‌ای بدانند اگر ادب‌تور عکس خوب باشد، می‌تواند خیلی از عکس‌ها را نجات دهد. منظورم فقط ایران نیست بلکه کل دنیا. با تمام اینها، همین که تصویر سال شعله کم سو و کم نور جمع شدن هنرمندان را دور هم، روشن نگه داشته، خوشحالم. در کشوری که حتی انجمن‌ها نمی‌توانند دور هم جمع شوند، این مساله برای من مهم است. حالا چند تا عکس بالا یا پایین، به نظر من اهمیتی ندارد. شما خبرنگارها باید یخه مسوولان فرهنگی را بگیرید و بپرسید بودجه فرهنگی کشور را چه کار کردید؛ با این جشنواره‌هایی که مثل قارچ می‌رویند و جایزه‌هایی که ما حتی به داوران مان هم نمی‌توانیم بدهیم. این جشنواره‌ها چه خروجی‌ای دارند؟ تلویزیون ما الان به جای فیلم، رادیو شده است. سربال‌ها هیچ جاذبه تصویری ندارند؛ چرا اینقدر برایشان هزینه می‌شود؟

■ بحث‌های مالی تصویر سال، تاثیر زیادی روی بخش‌های مختلف آن گذاشته. برنامه‌هایتان چطور است؟ چه حمایت‌هایی دارید؟

من فقط یک مثال می‌زنم که ببینید تصویر سال چه کار بزرگی می‌تواند انجام دهد. دو، سه ماه پیش در برزیل نمایشگاهی به نام «نبض ایران» برپا کردیم؛ در مرکز فرهنگی معروفی به نام «سلام آینده» که هشت طبقه آن در اختیار ایران بود. هم بزرگداشتی برای بهمن جلالی بود هم محلی برای معرفی نسل جدید. از من خواسته شد تعدادی عکس را در قالب تصویر سال از نسل جوان زیر ۲۵ سال انتخاب کنم. ۱۲۵ نفر را انتخاب کردم تا نمای درستی از نسل بعد از انقلاب بدهم. نکته جالب این بود که وقتی وارد شدیم عکس پانورامای تصویر سال را ۳۳ متر چاپ کرده بودند. می‌گفتند باورمان نمی‌شود در ایران این همه هنرمند دور هم جمع شوند. بعضی‌هایشان به ما می‌گفتند، ما فکر می‌کردیم در ایران مردم راه که می‌روند در جیش‌شان اورانیوم غنی می‌کنند! با خود گفتیم ما اگر میلیاردها دلار خرج و لشکر کشی می‌کردیم، می‌توانستیم ذهن یک برزیلی را این طور تغییر دهیم؟ من در این شرایط بودجه مشخصی ندارم. بودجه اندکی از نهادهایی که به ما کمک می‌کنند، دارم؛ انجمن گرافیک، موزه هنرهای معاصر و در سال‌های متوالی شرکت‌های مختلف

مبلغ ناچیزی به ما کمک می‌کنند.

امسال هم با سازمان فرهنگی - هنری شهرداری کاری را شروع کردیم که امیدوارم از نظر مالی ختم به خیر شود و در دادن جوایز آبرودار بمانیم. بعضی از نهادهای چک‌های چند سال پیش ما را هنوز نداده‌اند. چاره‌ای هم نداریم و نمی‌توانیم در کاری به این زیبایی را تخته کنیم؛ چون مطمئنم این به نفع همان کسی است که می‌گوید نباید مستقل باشد یا نباید بودجه داشته باشد.

■ شما در جشنواره‌های عکاسی بین‌المللی شرکت کرده‌اید. وضعیت جشنواره‌های ایران در مقایسه با آنجا چه طور است؟

اولین چیزی که می‌بینم، احترام به فراخوانی است که خودشان اعلام می‌کنند. اینجا بر عکس است. مثلاً جایزه‌های چند هزار دلاری اعلام می‌کنیم و زیرش می‌زنیم. قول کاتالوگ می‌دهیم ولی کار انجام نمی‌شود و آبروی ایران را می‌برند. دوم نگاه مناسبتی است که به اعتقاد من بلایی است که سر هنر آمده. همین‌طور هفته نام‌گذاری می‌کنیم. همین مناسبتی فکر کردن را هم، درست انجام نمی‌دهیم و یک مورد دیگر اینکه، فکر می‌کنند با فراخوان دادن می‌توان آرشیوی برای خود جمع کرد.

■ چه تجربه‌های خوبی را سعی می‌کنید. وارد تصویر سال کنید؟

هر چیزی که تا به حال وارد تجربه‌هایی شده که من دیده‌ام، همین بخش اینتراکتیو، یک نمونه از این تجربه‌هاست. ما تا چنین تکنولوژی‌ای را دیدیم، آن را وارد تصویر سال کردیم. آرزویی که همیشه برای تصویر سال داشتیم این بود که تک عکس در کار نباشد و به سمت رشد مجموعه عکس برویم تا عکاس، مفهوم جمع‌بندی را یاد بگیرد. امسال می‌خواستم یک «روز عکاسی» اعلام کنم و مجموعه عکس‌ها را نشان بدهم. عکاسان خوبی داشتیم که در تحولات کشورهای اسلامی عکاسی کرده بودند؛ ولی ما فقط چند نمونه را می‌توانستیم چاپ کنیم.

■ توضیحی در مورد تکنولوژی اینتراکتیو که امسال به جشن تصویر اضافه شده بدهید...

در بعضی سال‌ها نور نامناسب نگذاشته بود. این تکنولوژی خودش را نشان دهد. شرکتی در ایران هست که این تکنولوژی را وارد کرده. بهترین موقعیت بود که به بهانه ۲۰ سالگی نشریه تصویر، ما از این تکنولوژی استفاده کنیم. مثل شمعی که جلو در فوت می‌کردید. می‌توانید تمام ۲۰ سال تصویر را مرور کنید. اصلی‌ترین کاربردش این بود که ما را از اسلاید شوهای معمولی نجات داد. ۳۰۰

تصویری را که نتوانستیم چاپ کنیم، در تالار پاییز به نمایش گذاشتیم. روز اول نگارخانه انتظامی را که به دلیل تاریکی قرار بود به ما بدهند، به یک گروه تئاتری دادند و مجبور شدیم وارد بقیه سالن‌ها بشود، با این حال سعی کردیم نور سالن‌ها را کم کنیم تا مشکلی نباشد.

■ هیچ وقت این تصمیم را نگرفتید که برای تصویر سال موضوع خاصی را مطرح کنید؟

به دلایلی که گفتم، سعی کردیم همیشه موضوع آزاد داشته باشیم تا امکان شرکت همه باشد.

■ ولی بخش ویژه تهران را گذاشتید...

هر سال بخش ویژه‌ای داریم. پارسال «نور» بود. امسال بهترین موقعیت فراهم شد تا جمع‌بندی خاص و صرفاً هنری از اتفاقات هنری تهران داشته باشیم. سراغ بهترین‌های هر رشته رفتیم؛ مثل احمد عالی که دبیر میهمان بخش عکس شد. داوران، عکس‌های بخش تهران را هم داوری کردند و سعی کردیم عکس‌های مهم ۳۳ سال گذشته را که با موضوع «تهران» یا در لوکیشن تهران بوده، انتخاب کنیم.

قرار است این آثار را در پایتخت‌های دنیا به نمایش بگذاریم. در بخش گرافیک هم پوسترهای معروف ۳۳ سال گذشته را جمع‌آوری کردیم. در کنار آن بهترین فیلم‌هایی که طی ۳۳ سال گذشته با همین شاخص‌ها ساخته شده‌اند را نمایش دادیم. کجای تاریخ می‌شود این جمع‌بندی را پیدا کرد؟ این مجموعه «شهر تهران» آرزویی بود که برآورده شد و ما از بهار سال آینده آن را در پایتخت‌های مختلف دنیا نمایش دهیم.

■ برای این نمایش، برنامه‌های مشخصی دارید؟

برنامه نه، ولی اهداف مشخصی داریم. به هر جای دنیا بگوییم قطعاً قبول می‌کنند.

■ نمایش بخش تهران در برج میلاد، بازدید را سخت نمی‌کند؟

تنها راهی که داشتیم درگیر کردن شهرداری تهران بود و تنها جایی که داشتیم، برج میلاد بود. دو گالری پایین برج میلاد را مناسب دیدیم. قرار شد که قبل از عید افتتاح شود تا در طول فروردین توریست‌ها و بازدیدکنندگان برج میلاد بروند و آثار را ببینند.

■ برای سال آینده برنامه‌های خاصی دارید؟

سال آینده ۱۰ سالگی جشن تصویر سال است و قطعاً بهانه خوبی است تا بتوانیم کارهای خاصی انجام بدهیم.

هم نشینی در دیدگاهها وجود ندارد. هنگامی که از سوی بیننده مجموعه‌ی خود را می‌چینیم، موضوع را پیچیده‌تر درمی‌یابیم. سلاقی و انگیزه‌های گوناگون ما را در تنگنای چینش وامی‌رهد. گاه، عکاس بی‌تفاوت و گوشه‌ی چشم به بینندگان چینش‌اش را انجام می‌دهد و خلاص. این یک مشکل دیگر دارد: عدم شناخت ما از بیننده ما را در محدوده‌ی کوچکی از جهان خود مسکوت می‌گذارد. هیچ آینده‌ای برای این گونه‌ی نگرش نمی‌توان تصور کرد. بنابر این، توجه به سلاقی مردم یکی از الزامات کار هنرمند است. ولی این که تا چه اندازه خواسته‌ها و نیازهای مردم را در اثر بگنجانیم، در بین عکاسان متفاوت است. شناخت از انگیزه‌های مردم ما را وادار نمی‌کند که درست هم سوی خواسته‌های آنان بود. عملاً هیچ راهی به تسلیم مطلق شدن به خواسته‌های مردم به سبب متنوع بودنشان وجود ندارد و عکاس رهرو در این وادی سرگردان باقی می‌ماند.

■ از بین خلاقیت عکاسانه و نگاه مردم آن چه منطقی‌تر می‌نماید دست یابی به سلاقی و خواسته‌های مردم و ترکیب بینابین است. یک پرسش منطقی: اگر کسی به عنوان تماشاگر وجود نداشته باشد، آیا حکم اعدام در ملاء عام هم چنان پابرجا خواهد بود؟ این کار فقط پیام ترس در دل مردم دارد. ولی با تکرار آن ترس و وحشت از طناب دار به یک دل مشغولی بدل می‌شود.

■ ما از آن چه که در چنته داریم با روایتی عام‌تر تصویری خاص‌تر ارایه می‌دهیم. این به نظرم بهترین راه نفوذ بر دل‌ها و روان‌های مردم است. اما برای عملی کردن این نفوذ هر عکاس باید خلاقیت خود را به کار گیرد. بدون شناخت از زندگی و تجربه‌های هنری مردم نمی‌توان سخن خاص نهان در سخن عام گفت.

■ در آیین‌های عروسی چه عواملی یک مجموعه را کامل می‌کند؟ در روش‌های متداول پرتوی عروس و داماد و انبوهی از مردم در حال رقص و پای کوبی و نمایی از خانه‌های کاه‌گلی، در نهایت می‌تواند مجموعه‌ی ما را کامل کند. در این فضای عام سخن خاصی وجود ندارد. سخن خاص همان هنر آفریدگار است که بر هنرمندان واگذار شده است. در چنین مجموعه‌های شراکت مردمی بیش‌تر است چرا که زندگی شهری بیگانه از آن است و جذابیت آن در عکس نیست بل که در فضای روستایی است. نمی‌توان از این جذابیت سود جست. نشان دادن چیزی ست و سخن گفتن چیزی دیگر. آفرینش در نشان دادن نیست گرچه گلی زیبا باشد. می‌توان از خاری سخن گفت که جذابیتی بیش از شقایق داشته باشد. طبیعت همیشه سبز و آبی نیست گرچه زیبایی‌اش به همان باشد. پس تفاوت زیبایی را با آفرینش باید دریافت. زیبایی را باید آفریده نه نشان داد.

■ در پروژه‌ی قطار عوامل صوری عبارت‌اند از ریل‌های پیچ و تاب خورده، قطاری در دامنه‌ی کوه، پنجره‌ای رو به

گره‌های کور

در تعریف مجموعه‌ی عکس

خلیل غلامی / خانه عکاسان تبریز

تعریف مجموعه‌ی عکس کمی پیچیده‌گی دارد و غالب عکاسان ایرانی در گره‌ی ناگشودنی‌اش گرفتار می‌شوند. من نیز نخواهم توانست گره‌ای باز کنم. شاید بتوان گفت برای باز کردن‌اش دیگر بارش می‌کنم که گشودن این گره آسان‌تر از آن گره باشد. پروین اعتصامی در داستانی آورده است دهقانی گونی گندم پشت‌اش در حال آه و ناله بود که خدایا این چیست در زندگی من گره‌ای ناگشوده، فقر من را فرا گرفته گره‌ی من بگشا و در این هنگام گره‌ی گونی‌اش باز شد و اندک گندمی که با دستان‌اش گردآورده بود بر زمین ریخت و با نفرین گفت: خدایا زین گره را زان گره نشناختی. با افسردگی تمام شروع به جمع کردن دانه‌های ریخته شده کرد که کیسه‌ای طلا یافت. در برخی موارد شاید بد نباشد برای گشوده شدن‌اش نوع گره را تغییر داد. تلاش من نگاه به حاشیه‌هایی‌ست که گونی آثار ما را نفرین می‌کنند و سبب پیچیده‌تر شدن مفاهیم عکاسی می‌شوند.

■ در روش معمول آثاری هم راستا و معنادار برگزیده می‌شود. این جمله خیلی کلی‌ست: هم راستا و هم معنا چه گونه است؟ در واقع، اثری در مجموعه گنجانده می‌شود که جاهای خالی را پر کند. محدودیت در عکس‌ها سبب گزیده و سنجیده‌گویی در گزارش تصویری می‌شود و این پیچیدگی گزینش را بیش‌تر می‌کند. از دید مردم آیا این گزارش من مثلاً به تعداد ۱۲ اثر کل جریان را به خوبی قابل لمس خواهد ساخت؟ آیا آن چه من می‌خواهم هم چنان انتقال خواهد یافت؟ قطعاً بند آخر جمله‌ی ما اتفاق نخواهد افتاد. هر کس بنا به تجربه‌ی زندگی خود و علاقه به آن موضوع ارزیابی خواهد کرد. پس چه چیز باید به مردم انتقال یابد؟ یعنی این که، از سویی من می‌خواهم از بین چند هزار تصویری که گرفته‌ام جوری ردیف کنم که بیننده به کنه موضوع برسد و از سوی دیگر امکان

■ عوامل و عناصری که یک مجموعه را بتواند نشان دهد به خیلی چیزها بستگی دارد. تشخیص این عوامل به ذهن و نگاهی باز وابسته است. در مجموعه‌ی جنگ خروس‌ها کسی می‌تواند روی مجموعه نظر دهد که بتواند در جریان امر قرار گیرد. عکاسی که چند بار در جریان خروس جنگی‌ها قرار گرفته عوامل و عناصری که دست به دست هم می‌دهد تا یک بازی تمام عیار ایجاد شود، کم‌کم می‌شناسد. برخی عناصر به کادر نمی‌آیند. حالا دوری که در گود این جنگ وارد نشده چه طور تشخیص می‌دهد کدام عکس اضافی و کدام مورد نقص دارد؟ دور نیست که در گزینش آثار دخالت‌های او ناروا و تنگ‌نظرانه باشد. خواهم گفت که او بر چه مبنایی دست به دوری می‌زند و عناصری را اضافی و عواملی را ناقص می‌پندارد.

را بر عهده دارند نه هنرمندان. ما باید عادت کنیم تفاوت‌ها را نشانه بگیریم و تشابه‌ها را به خود عامه‌ی مردم واگذاریم و داوران همیشگی از دیدن تفاوت‌ها در پرهیزاند. تشابه‌ها در سمت و سوی یک سان سازی و تکرار و همیشگی ست و تفاوت‌ها موجب پرسش و تلاش ذهن در بین تضادها و تناقض‌هاست.

■ لایه لایه بودن عکس یکی از موارد ترکیب بندی ست که هر لایه می‌تواند پرسش ذهن را موجب شود. اعجاز و رازگویی در تصویر، برعکس، موجب هم سطح گرایی شده و اختلاف را نادیده می‌انگارد. این تعبیر در واقع در آثار خوش فرم دیده می‌شود. در فرم بندی محتوایی می‌توان لایه‌ها را بر حسب موضوع برگزید و به اختلاف سطح دست یافت. با این تعبیر، می‌توان دریافت روی‌داد پیش از شاتر زدن بر ذهن عکاس نشسته است. کار داوران جشنواره برعکس این قضیه روی می‌دهد. نگرش فرم‌گرایانه محتوا را پیش فرض می‌گیرد و جلب و جذب سوژه می‌شود؛ سوژه او را می‌باید نه او سوژه را؛ او تحت کنترل سوژه درمی‌آید و حاکمیت خردمندانه‌ی خود را بدان می‌بازد.

■ برای مجموعه پیش فرض‌های انبوهی سایه انداخته است که داور گاه خود را مجاز به دخالت در آن می‌کند. این پیش فرض‌ها هم چون قانون‌هایی بدیهی با دستورالعمل‌های ثابت در کنار جشنواره‌ها برای عکاسان ترسیم می‌شود. این بدیهیات آثار هنری ما را از این رو بدان رو می‌گرداند. کسانی که به چنین بدیهیاتی به چشم تردید می‌نگرند در تلاش ذهن خود بین این سو و آن سوی امور واقعی می‌افتند. بدیهیات یا امور مسلم و ثابت عکاس را از هر گونه تلاش برای ترسیم یا بیان نو از پدیده‌ها پرهیز می‌دهد و به امور سطحی یا بیانی بدیهی می‌غلطد. تلاش او صرف تقلید یا تکراری می‌شود که با پیش فرض‌ها به پدیده‌ها می‌نگرد. پیش فرض‌ها اموری اساسی‌اند ولی با این اصل که همواره رودرروی چشم باشند نه در حاشیه‌ی امنیت. در غیر این صورت، این پیش فرض‌ها سبب یک دست شدن آثار تولیدی می‌شود و خلاقیت فردی را از دست می‌دهد. خلاقیتی که برخی از عکاسان پیش کسوت ما شعار همیشگی‌شان شده و بدون ارایه‌ی هیچ تعریف منطقی و قابل قبول با یک جمله‌ی کوتاه «نوآوری» به پایان می‌برند. می‌دانیم که این گونه نوآوری نکته‌هایی ست از تجربه‌ی سالیانه‌ی او که در قالب قضاوت‌های ناشایست بر ذهن عکاسان جوان قالب شده است. نوآوری بر هیچ ذهن مجربی بسته نشده است. اگر تعاریف ما از نوآوری از تجربیات ما بیرون تراود چیزی خواهد بود در حد کارهای تکراری جشنواره‌های قارچی. کسانی که چنین جشنواره‌هایی را بنیان گذاشته‌اند در برابر خرد و فرهنگ ایرانی باید پاسخ‌گو باشند. در تعریف نوآوری باید فردیت عکاس مورد نظر باشد تا هر اثر تشخیص و هویت خودش را نگاه دارد. این هویت یعنی نزدیکی تمام به ضربان رگ‌های امور واقع، یعنی

عروسی می‌شود: عروس مهم است نه داماد. شاید گفتن این که، هنر ما بیش تر زنانه است تا مردانه جسارت آمیز باشد. دیدن عروس ذوق بیش تری نسبت به داماد دارد. هم برای زنان و هم مردان. بنابراین، از روستاها بیش تر به عروسی پرداخته می‌شود.

■ عکاسی در منطقه‌ای که فقر اقتصادی و فرهنگی گریبان مردم را در گرفته و موجودی به نام زن جایگاهی ناخواسته در بین غیرت مردان دارد، نشان دادن تفاوت آن‌ها در واقع راز موفقیت عکاس است: نشان دهنده‌ی این است که او به شناخت تفاوت‌ها رسیده است. ولی قضاوت روی این مجموعه با یک نگاه چیره و مسلح به تورسیم همه را در تشابه‌ها جا می‌دهد.

■ بدون وجود فضای نقد کار داوری فقط موجب یک‌سان سازی آثار می‌شود. نقد ماهیت داوری و ارزیابی ندارد و داوری نیز ماهیت نقد و ارزیابی را ندارد. چه کسی تا کنون توانسته است نظر داور را در مورد اثرش بشنود که چرا پذیرفته شد یا نشد؟ داوری پنهان کاری ست؛ کار نقد به رو آوردن حرف‌های پشت پرده است. کسانی که نظر می‌دهند، آثار را به گفت و گو می‌نشانند: از سکوت حاکم کاسته می‌شود. داور فوتبال هر چند به اشتباه سوت خطا بزند و بازی کنی را به ناحق بیرون کند و موجب باخت تیم شود، کسی جلودارش نیست. اشتباه در داوری پاسخ‌گو ندارد. امتیازی که از دست تیم در رفت برگشتی نیست ولی، بررسی بازی می‌تواند ضعف و قوت تیم را نشان دهد. جشنواره‌ها باری بر دوش داوران اند و سلیقه‌هاشان تنها منطق‌شان. رقابت به رشد نمی‌انجامد فقط انگیزه را بیش تر می‌کند و می‌دانیم که انگیزه ماهیتی تو خالی دارد.

■ برای قاضی اسناد محکمه پسند نیاز است تا گریبان گیر میله‌های زندان نشود و رقابت در عکاسی با نزدیک شدن به اسناد داوران خود را دست کم مصون بدارند. این بازگشت ارتجاعی به سوی داوران نوعی خوش اقبالی برای جشنواره‌ها قلمداد می‌شود. داوری که یک دست بودن آثار رسیده را یکی از افتخارات جشنواره می‌داند، مالک هیچ فلسفه‌ای نیست به غیر از شهرت. داوری که نتواند از موضع خودش دفاع کند بزرگ‌ترین کارش فقط به هم سان سازی آثار می‌انجامد و داوری که دفاع کند از پیشه‌اش جدا می‌ماند. تجربه‌ی آثار ما در حول و حوش حدیث نفس می‌چرخد. دل تنگی‌ها و افسرده‌گی‌هایی که در آثار جشنواره‌ها می‌توان دید حاصل سوء استفاده از داوری ست. روش‌های ثابت سنتی و داوران کهنه کار و همیشگی سبب آمار همیشگی می‌شود: حدیث نفس چیزی جز تکرار انده‌بار نیست. یک عکس را در چندین جشنواره می‌توان دید. هیچ طرح نویی از برگزاری جشنواره‌ها دیده نمی‌شود که سبب تحول در گونه‌ی عکاسی شود و داوران ما چون کارمندان وظیفه‌شناس از هیچ جشنواره‌ای باز نمی‌مانند. این داوران‌اند که تولید هنر

دشت و سوزن بانی در تقاطع راه‌ها. اگر نام آذربایجان یا لرستان را هم کنار آن داشته باشیم، المان‌های ما گستره‌ی زیادی را در برمی‌گیرد: کوه‌های سر به فلک کشیده، ساختمان‌های سنگی با سقفی بلند، صداها، مانور شبانه‌ی قطار، و جمعیت خیلی اندک در ایستگاه‌های بین راهی. صدای مانور قطار را چه گونه می‌توان نشان داد؟ سکوت حاکم بر فضای ایستگاه‌ها؟ ایستگاه‌های مترو که با وسایل جا مانده انگار که زندگی با سکوتی مرگ‌بار جریان دارد؟ ریل‌های زنگ زده و علف‌های هرز، منبع‌های بلند آب، تونل‌های بی‌شمار و... این عناصر که نمی‌توانند همگی در مجموعه نگه داشته شود. پس باید گزیده سخن گفت. گزیده سخن گفتن عین نتیجه‌ی سخن را گفتن است. بیش تر ما اهل سخن‌رانی هستیم با ایده‌هایی ناتمام. کوتاه کردن شاعرانه سخن گفتن است.

■ از مجموعه‌ی عناصر موجود در تجربه‌ی کاری ما باید حسی ایجاد کند که شورانگیز و تمام کننده باشد. پس عناصر موجود در مجموعه حس نظام یافته‌ی ماست نه عکس‌های زیبا و خوش ساخت. یک عکس محو و تار شاید خیلی بهتر از یک عکس خوش فرم و با وضوح کافی وصول به معنا شود.

■ برای مجموعه تعاریف قاعده‌مندی وجود دارد که بر مبنای آن نام آذربایجان یا لرستان را هم می‌توان از آن بازخوانی کرد. بدون این که تجربه‌ی زیستی داشت: یک زبان بین‌المللی در تصویر فراهم می‌شود تا با جزئیات کمتر کلیاتی بیش تر تولید شود. معیار ما برای چیدن آثار مجموعه چیست؟ داور انتزاع‌گر (با آثار انتزاعی) چه گونه روی آثار مستند نظر می‌دهد؟ فرایند نگاه آنان به این آثار از دیدی انتزاعی سرچشمه می‌گیرد. تعریف آنان از یک مجموعه بیش تر به فرم و هم‌خوانی صوری نزدیک‌تر است: محتوای راه آهن آذربایجان یا لرستان فدای تک عکس‌های خوش فرم می‌شود. مثلاً بحث ریتم یکی از عوامل چیدمان برخی‌هاست. از این رو، مجموعه با عکس‌های خوش ساخت محبوبیت بیش تری می‌یابد.

■ فضای روستایی زندگی روستایی دارد که برای داوران پایتخت‌نشین مفهومی توربستی تولید می‌کند: آسمانی آبی و درختان و مردمانی با صفا تعریف یک مجموعه از روستاست. اگر دو مجموعه از دو روستای گوناگون داده شود، چه گونه می‌توان فقر و امید را از هم جدا ساخت؟ اگر نه عکاس و نه داور نتواند که تفاوت این دو را روشن کند از گمراهی در تعریف مجموعه سرچشمه گرفته است. روش و منطق مادر چینش عکس‌ها در مجموعه به شدت تحت تأثیر خوش فرمی و یک دست بودن در آثار است، و این یعنی که، چند تک عکس می‌شود مجموعه. نگاه توربستی یکی از نگاه‌های غالب ماست که دخالت ناشایستی در گزینش آثار روستایی دارد. حساسیت ما نسبت به زنان سبب روی کرد بیش تر عکاسان به این قشر در فضای



یکی از دلایل یک دست شدن آثار تولیدی، قضاوت‌های یک دست است که آن هم از نگاه به پشت و به زمان‌های دوران شکوفایی در دهه‌ی شصت برمی‌گردد. محتوای تجربه‌های شصتی توان فردگرایی در عکاسی را از دست هر کس ربوده است؛ یا بهتر است بگوییم، نگاه جمعی و ارتجاعی همیشه مرتکب گناهی نابخشودنی است. این محتوا سنگ محکی برای سنجش تولیدات شده است. چرا؟ سهم ما از جریان پست مدرنیستی چیست؟ کسانی که حنجره و چینه‌دان خود را برای پاسخ به این جوش می‌آورند غالباً فهم قرون وسطایی دارند. و عکاسانی که با نزدیک شدن به بزرگان و پیش کسوتان عکاسی سر از پا نمی‌شناسند سبک و روش شصتی را دوباره تجربه می‌کنند: تجربه‌ی آزموده‌ها- این است سهم ما از ارتجاع. برخی گنده‌گوزی‌ها به نام کارهای مدرن وصله‌ی ناجور بر تن محتوای شصتی شده است. اگر که از افتخارات ما انتخاب داور فیلم ساز دوران شصتی در جشنواره‌ی امروزی‌ست، این برگشت ارتجاعی به گذشته است.

بهمین جلالی کسی که از نقد صریح و گاه شکننده دست برداشت ولی به اندازه‌ی کسی که خود را جلودار روند عکاسی در ایران معرفی می‌کند، شناخته نشد. عکس‌ها و پرتره‌های او به اندازه‌ای که منتشر شد از محتوای اندیشه‌ها و ایده‌هایش تهی بود: از چشم ما حضوری در آثارش ندارد. کم‌تر کسی به غیر از او بتوان یافت که به فردیت ایده‌ها و تمرکز محتوایی روی موضوع اهمیت فراوان بدهد. به سادگی می‌توان آثار ایرانی و خارجی را در کارهای عکاسان یافت. آثاری که از چشم دیگران تولید می‌شود و آثاری که از چشم یک ایرانی متولد می‌شود. یک عکاس خارجی ایران را به چشم خود می‌کاود و این نمی‌تواند سبک همیشگی باشد. ذهن ایرانی در پشت آثار به دشواری رخ نشان می‌دهد. سخن از تقلید و کپی نیست، سخن از فلسفه‌ی آمیخته و بی‌دروپیکری‌ست که در واقع، پاسخی به نگاه‌های نگران و منتظر آن سوی آب‌هاست: آثاری که برای کم‌نیاوردن با پست مدرنیسم پر می‌شود.

دست اندازی برخی عکاسان روی آثار جوانان سبب بی‌اعتمادی می‌شود. او با دیدن چند اثر از عکاس جوان نمی‌تواند بفهمد چه ایده‌ای در سر دارد و راهنمایی‌هایش غالباً به تخلیه شدن عکاس منجر می‌شود. پیش فرض‌های انبوه در ذهن عکاسانی که شهرتی به هم رسانده‌اند، راهنمای بدی برای آنان می‌شود و از آن جایی که از سخن منطقی و گفتار سنجیده و منظم بی‌بهره‌اند، عکاس را در سردرگمی رها می‌کنند. انرژی جوانان صرف وقت‌گذرانی روی پیش فرض‌های اندوهبار می‌شود. این پیش فرض‌ها باز هم قضیه‌ی خلاقیت را مسخره جلوه می‌دهد و حجم آن‌ها جایی برای جولان دادن جوانان نمی‌گذارد.

یکی از عکاسان (ملک مدنی) در کارگاه عکاسی‌اش

وضعیت، کم کردن یک عنصر از مجموعه موجب آسیب کلی خواهد بود. عکاس نمی‌تواند بپذیرد که چند اثر از مجموعه‌اش کنار گذاشته شود. و این کار فقط در کشوری چون ما روی می‌دهد که داوران‌اش ذهن شخصی ندارند.

جشنواره‌ها مهم‌ترین عامل شکست کارهای خلاقانه هستند. جشنواره‌هایی که بدین روش بنیاد نهاده شدند و تعاریفی که هرگز مبنای منطقی نیافتند و به پاتوق‌های شبانه بدل شدند، به کارهای انتزاعی بی‌محتوا انجامید. این گروه‌ها چون سیاهی لشکر از این بام بر آن بام برمی‌آیند و سیل انبوهی از آثار تکراری را جابه‌جا می‌کنند. اعتبار این گروه‌گرایی چون کارهای خلاقانه نمود می‌یابد و برخی از پیش کسوتان را به هیجان درمی‌آورد.

هیچ کسی تا حالا تعریفی از مجموعه در ایران نداده است ولی با این حال هر دآوری قضاوت خودش را دارد که از قضاوت خود مطمئن‌اند. هیچ نقدی روی آثار دآوری انجام نگرفته که خود قضاوت در ایران را به چالش بکشد. آثاری که کنار گذاشته شده‌اند آثاری که پذیرفته شده‌اند می‌تواند نابسامانی ما در امر قضاوت را به اثبات برساند. این در حالی‌ست که داوران ما غالباً کم‌کارترین عکاسان ایرانی هستند هر روزه فضای اجتماعی و فرهنگی کشور ما فرق می‌کند و چهره‌ی دیگری به خود می‌گیرد و قضاوت کنندگان ما هنوز در صدد اعمال دآوری بیست- سی سال پیش‌اند. برخی عکاسان در جایگاه پیش‌روتری از داوران و یا کسانی که به گونه‌ای دستی در روند عکاسی در ایران دارند، ایستاده‌اند. هر طیف عکاس مخاطب خود را دارد و این که چرا غالب آثار تولیدی ما خیلی یک‌سان و مشابه هم شده‌اند به لطف دیدگاه‌های متحجرانه و واپس‌گرایانه است. نشریات ما آثاری را چاپ می‌کنند که هرگز در جشنواره‌ها دیده نمی‌شوند. مردم با چنین آثاری بیگانه‌اند و توان فهم‌شان هم راستا با کارهای خلاقانه‌ی کنونی نیست.

با این وضعیت، عکاس برای چنین آثار خود در قالب مجموعه یک نگاه به داوران دارد و نگاهی به مجموعه‌های پیشین. تمرکز او روی موضوع را هیچ عکاس دیگری ندارد که بتواند دخل و تصرفی در آن بکند. او باید خطر کنار گذاشته شدن آثارش را به جان بخرد ولی دست از آن چه که کشف کرده است به سادگی برندارد. برای برنده شدن و «به چشم آمدن» ایده‌ی خود را فدای جایزه می‌کنیم. پس کسی که هنوز از خلاقیت سخن می‌گوید با این اوضاع قاراشمیش و نفهمیده یا از خلاقیت چیز زیادی سرش نمی‌شود.

«هر دم آسیبی‌ست بر ادراک تو/ نیت نونو رسته بین از خاک تو». در برابر، هنر جمعی، نزدیکی تمام به پایه‌های اصولی ثابت و همگانی‌ست. کسانی که با پیش کشیدن بحث‌های خلاقیت شهری به هم رسانده‌اند و حال آن که نتوانسته هیچ نظریه‌ای از آن بنیان نهند، موفق شده‌اند جشنواره‌هایی راه اندازند که هنر را به قصد اقتصاد داغون به حراج بگذارند.

هر گونه خلاقیت فقط در حوزه‌ی فردی امکان پذیر می‌شود و هیچ تجربه‌ای نمی‌تواند تکرار آن را رقم بزند و هیچ عکس خلاق در گرو هیچ گروهی آفریده نشده است. عکاس آفرینش‌گر کسی‌ست که ذهن ایده‌پرور دارد و با چند عکس تصادفی نمی‌توان خلاقیت به کار برد. امروزه غالباً بنیانی که بر گردن خلاقیت نهاده شده گروه‌بازی‌هایی‌ست چون پاتوق‌های شبانه، و نقدها نیز شبیه خوش و بش‌های دوستانه است که بر اساس تعارفات مرسوم برای هم دیگر نوشابه باز می‌کنند. از واژه‌های غریب و جملات لوث چون، «این عکس می‌خواهد...» و «خطوط بصری فلان نقطه...» به نتایجی می‌رسند که برای خودشان نیز معرکه می‌شود. شاهکارهای نقدی امروزه وام‌دار حلقه‌های دوستانه است.

در چنین عناصر مربوط به یک موضوع، نوآوری ما به المان‌هایی تمرکز می‌یابد که توان گویایی مجموعه‌مان را بیش‌تر کند. ولی، گاه دایره‌ی موضوع ما با عکس‌های پرت و ناهماهنگ گسترده می‌شود و گاه در نماهای ظاهری به هم پیوند می‌یابند: عکس‌های خوش ساخت بی‌محتوا. صورت‌ظاهر آن‌ها به هم نزدیک‌اند ولی محتوایی را بر مجموعه نمی‌افزاید. در واقع، ذهنیت تک عکس بر مجموعه حاکم می‌شود. هر موضوع المان‌هایی برای خود دارد که هوشیاری عکاس را می‌طلبد و در نظر نخست برای دیگران پرت و پلاست ولی تمرکز ناکافی و شتاب زده روی مجموعه ما را به چنین قضاوتی خواهد کشاند. عکاسی که در پی ایده‌ی خود برآمده باشد به سختی در وادی پرت و پلاپی می‌افتد. پیش از این هم اشاره شد که سوژه عکاس ایده‌پرور را نمی‌فریبد ولی برعکس کسانی که ذهن آماده ندارند به سادگی شیفته‌ی سوژه‌شان می‌شوند. پس پایه‌ی چنین ما باید بر اساس ذهنیت هنری‌مان باشد نه استقبال عامه. ما سوژه‌های خیلی زیادی داریم که مبنای اندیشه‌گی ندارند و بیش‌تر به تقلید و تکرار نزدیک است. با این حساب، چنین این قبیل آثار ساختار نامتمرکز خواهد داشت. ولی بر این عکس این

بندی‌های حلال است. همه‌ی دست‌اندرکاران جشنواره‌ها باخت را نه در رقابت‌های مردانه که در قمارهای نابرابر نهادینه می‌کنند و جالب‌تر این که آنان خود در جشنواره‌ی دیگری شرکت می‌کنند. این گونه تجارت هنر برانزده‌ی کشورهای درگیر بحران و انزوای ناخواسته‌اند.

■ در فیلم بسیار جالب شکارگران گوزن چند دوست که درگیر روی‌دادی ناخواسته شده‌اند، به وضعیت فلاکت باری رسیده‌اند که به ناچار به یک درآمد عجیب و غریب دست می‌یابند: زنده ماندن آنان در گرو رقابت با هم دیگر است. دو نفرشان در یک شرط بندی روبه روی هم قرار می‌گیرند با تفنگی تنها با یک تیر، شانس هر کدام یار باشد پول‌دار شده و دیگری بی‌جان روی میز خواهد افتاد. تجارت خانه‌ی عکس و هنر ما به دست خود ما به گونه‌ای شده است که هم دیگر را در رقابتی ناگزیر رها کرده‌ایم. یکی شرمند و دیگری شادان. در این کارزار توان فرسا آشکار نیست که ارزش هنر را چه گونه می‌توان بر این دوئل سرتاسر خطرناک نهاد. عکس صرفاً ابزاری به رو کم کنی تبدیل شده است. جشنواره‌ها غیر از رو در رو قرار دادن چند اثر کاری انجام نمی‌دهند. انتخاب عکس از آرشیو هم چون دست بردن بر کیسه‌ی پر از مهره‌هاست که یا سفیداند یا سیاه. مهره‌های سفید موجب شادی و سربلندی او را به همراه خواهد داشت و مهره‌های سیاه برعکس، سرافکنده‌گی او را. این گونه تجارت هنری که غیر از دو راه سیاه و سفید چیز دیگری در بر ندارد، گستره‌ی خود را به صفر و یک محدود می‌کند. هیچ کاری غیر از دست بردن بر کیسه نیست. چند صد هزار عکس از موضوعات گوناگون مرتب ردیف شده‌اند که هر دو هفته یک بار در جشنواره‌ی شرکت کنند. نکبت بارترین کار از آن داورانیست که از آثار تکراری و هم سطح خسته نمی‌شوند. این داوران خود درگیر رقابت‌های تجاری‌اند که برای زنده ماندن مبارزه می‌کنند. برخی از آنان گروه‌هایی را رهبری می‌کنند تا زنده ماندن خود را پشت انبوهی از آثار و اندیشه‌های آرشیوی تضمین کنند. در این وضعیت، کسی حق اظهار نظر دارد که گروهی بزرگ را پشت سر خود داشته باشد.

■ از داورانی که غیر از داور کار دیگری بلد نیستند تا عکاسان جایزه گرفته که تا چند هفته پپ انگلیسی می‌کنند، می‌توان اوضاع قاراشمیش هنر را سنجید. کسانی که از این پیپ‌های گران بها بی‌بهره‌اند، از دایره‌ی دوئل به روش کثافت دوراند. اینان به قضاوت خود پای‌بنداند تا قضاوت‌های تهی مغز و بی‌محتوا که تنها مورد مصرف‌اش گله‌های رقابت جو هستند. گاه برای تنوع، کارگردانان نام‌آور بر صدارت داور می‌نشینند. این تنوع، در واقع، بالا کشیدن نرخ کارشان است. تقوایی و کیارستمی نام‌آورانی‌اند که زمانی در رقابت برای زنده ماندن تلاش کردند و گرچه امروزه تعطیل‌اند، هنوز در بازار تجاری هنر خریدار دارد. این نام‌آوران آخرین ضربه بر پیکر هنر ما را بر عهده دارند.

خودبرمی‌افکند.

■ یکی از داوران ادعا می‌کند در صورتی که داور در دست انجام گیرد عکاسی در بین نخواهد بود! با این وضعیت مگر عکاسی در بین هست؟ تو با این سخنان ات دروغ گفتن را مباح می‌کنی و روند عکاسی را با خودت می‌سنجی. اگر تو حوصله‌ی عکاسی نداری، قضاوت را به دست کسی بسپار که با دروغ هنر را دلداری ندهد. در هیچ گونه محافظه کاری (چه در اقتصاد و چه در مدیریت و هنر) نباید مترصد نوآوری بود. مگر نوآوری کسانی که افکار دهه‌ی شصت‌شان هنوز حاکمیت بی‌انقطاع در ایران دارد. نباید کار جوانان این مرز و بوم را از یاد برد که مایه‌ی سربلندی ایران ما شده‌اند. ولی به احتمال زیاد اینان کسانی‌اند که مثل من درگیر افکار نبرنگ مابانه و کوته‌نگرانه صاحبان املاک هنری نبوده‌اند. کسی که به این ملک هنر وارد می‌شود هنرش را به جواز تحقیرآمیز جشنواره‌ها می‌بازد. در این ملک هر هنر ارزش‌اش با مبالغی سنجیده می‌شود که اگر شانس بارش باشد، گریبان او خواهد شد. هیچ جشنواره‌ای حال و حوصله‌ی تغییر در ساختار یک نواخت و کسالت آور خود ندارد. روشی که چندین سال است هم چنان خریدار عکس‌های آرشیوی‌ست و عملاً به هیچ تولیدی منجر نمی‌شود مگر انواع سفارش‌های جشنواره‌ای. کالای هنر در رونق جشنواره‌ها هم چون بهره‌ای فلج کننده شده است که داغ پشیمانی‌اش را پس از سال‌ها خواهد فهمید. یک گام به جلو و دو گام به عقب سبب کالایی شدن آثار هنری‌ست. چیزی برای افتخار کردن وجود ندارد مگر گذشته‌های دست نیافتنی. روش‌ها و نگاه‌های سنتی (ولی در ادعا مدرنیستی) افراد با اذهانی یک سان و هم‌اندیش بار آورده که آنان نیز با آرمیدن بر صدارت قضاوت با دبیری جشنواره راه نیاکان خود را با منجیق و سپرهای آتشین رقابت سپری می‌کنند. بی‌دردس‌ترین راه کم هزینه‌ترین و ساده‌ترین راه است. نیازی به اندیشیدن نیست؛ همه‌ی اندیشه‌ها آزموده شده و هم‌آوردی از ادعاهای هنری ایجاد کرده که آزمون‌های نو را پشت سر می‌اندازد. کاری نکنید که خطر داشته باشد، راه‌های طی شده بهترین آزمون تاریخی‌اند. تاریخ مدیریت ایرانی چنین راه کارهای تکراری را بیش‌تر می‌پسندد و در تولیداتی که از واژه‌های نانوتکنولوژی و اصطلاحات بی‌محتوای امروزی بهره‌برد، شادمان می‌شوند.

■ این دستاوردها به همراه نیروهای انسانی هم‌سان و هم فکر و پخمه موجب یک‌سان شدن خواست‌ها و ایده‌های افراد شده است. یاد گرفته‌ایم در بخت آزمایی‌های هنری شانس خود را بیازماییم و نام‌اش را اقتصاد عکاسی گذاشته‌ایم. جایزه‌ها هم چون بخت‌آزمایی‌ها درآمد ثابت و معقول محسوب نمی‌شوند. در این وضعیت، عکاسان سر هم دیگر را نشانه می‌روند و رقابت جایزه‌ی زنده ماندن می‌شود. میانگین درآمد او از کار عکاسی (که گونه‌ای شغل قلمداد می‌شود) کسب درآمد جایی و هزینه کردن در شرط

در حالی که عکس‌های دهه‌ی شصت‌اش را شاهکار می‌دانست گفت، کسی تا کنون چنین زاویه‌ای را تجربه نکرده است. در دهه‌ی نود با یک ضربه شخصی می‌شویم! ضربه‌ای که به احتمال زیاد کسی را متأثر نکرد. فهم عمومی بیش از این حماقت‌هاست. او گرفتار در تور توهم چاره‌ای جز خودبزرگ بینی ندارد. کسان زیادی چون او تعطیل شده‌اند و برگزاری کارگاه‌شانی بر مقام او نمی‌افزاید.



پاسکال: مبدا گفته شود که من هیچ چیز تازه‌ای نگفته‌ام. نحوه‌ی ترتیب مصالح، تازه است. هنگام توپ بازی، هر دو حریف با یک توپ بازی می‌کنند اما یکی بهتر از دیگری آن را به کار می‌برد.

■ چیده‌مان مجموعه یکی از مصالحی‌ست که در معنای اثر می‌تواند مؤثر باشد. با هر گونه چیده‌مان یک مراد می‌شود. آیا راهی برای چیده‌مان درست وجود دارد؟ هرگز. «چیده‌مان درست» اصلاً مفهوم ندارد. اگر بگوییم چیده‌مان درست همان است که در ذهن مؤلف نقش بسته، باز ادعای دشواری‌ست. یافتن ذهن مؤلف حتا برای خود او نیز دشوار است. آیا او از سوژه‌ی خود هیچ مرادی نداشته است؟ او چیزی در ذهن‌اش قطعاً داشته است ولی این چیز پوشیده از مفاهیم کلی‌ست و تعبیر روی آثارش دیگر به خود او بستگی ندارد. خود عکاس نیز چون دیگران به آثار خود به چشم تعبیر می‌نگرد. پس، جزئیات یک اثر هنری پس از انتشارش آشکار می‌شود. اما یک جور چیده‌مان نزدیک به «درست» وجود دارد که، از ذهن مؤلف می‌تراود. از بین ده چیده‌مان شاید عکاس هفت تایش را نپسندد. «نپسندیدن» او از انبوهی مفاهیم انباشته شده می‌تراود. قطعاً دست کاری داوران چیزی نیست که به «درست» نزدیک باشد و برعکس، دارای مشکلاتی‌ست انبوه که یکی‌اش یک‌سان سازی اندیشه‌هاست.

■ داوران قضاوت کننده هیچ توضیحی بلد نیستند که چه گونه فلان عکس کنار گذاشته می‌شود و فلان برای چندمین بار برگزیده می‌شود. داورها در گوشه‌ی ست. مصاحبه‌ها و نوشته‌های آنان در حد و اندازه‌ی کلیاتی‌ست به درد نخور که بیش‌تر شبیه انشاهای کلاس پنجمی‌ست. یک اثر در مجموعه در حکم یک واژه در جمله‌ای از رمان است. با جابه‌جا کردن واژه‌ها که ترکیب جمله تغییر می‌یابد، معنای‌اش نیز تغییر می‌یابد. حتا پس و پیش کردن یک واژه علاوه بر شکستن آهنگ جمله، مفهوم آن را عوض می‌کند. چه گونه می‌توان شعر یا رمانی را دو-سه نفری نوشت در حالی که یک مجموعه عکس می‌تواند زیر نظر دو-سه نفر تولید شود. مسئولیت یک اثر کاملاً باید بر دوش مؤلف‌اش باشد و با دخالت دیگران نمی‌توان فهمید مؤلف چه کسی‌ست. رسیدن به جایزه یکی از عواملی‌ست که سبب بی‌مسئولیتی عکاس شده و بار اعتماد را از دوش

Picasa

بهترین برای آرشیو

سهام ویندوز از برنامه های مدیریت تصاویر، کاملاً عادلانه است. برنامه های بسیاری در این زمینه برای ویندوز ساخته شده اند. اما در این بین، پیکاسا به خاطر مجموعه موثری از امکانات و سهولت استفاده نسبی، به عنوان بهترین برنامه انتخاب گردید. با ما باشید تا قابلیت ها و نقاط ضعف و قوت پیکاسا را بررسی کرده و رقیبانش را هم در ویندوز به شما معرفی کنیم.

امکانات

- ایمپورت آسان تصاویر از دوربین، فلش یا هارد درایو.
- قابلیت اسکن کردن فولدر های خاص روی هارد درایو شما و اضافه کردن اتوماتیک تصاویر جدید به کتاب خانه برنامه.
- مرتب کردن اتوماتیک تصاویر با تاریخ و رویدادها
- تشخیص چهره و قابلیت مرتب کردن تصاویر با چهره ها
- تگ جغرافیایی تصاویر و قابلیت نمایش آلبوم ها روی نقشه جهانی، بسته به موقعیت جغرافیایی آنها
- حل مشکلاتی مانند قرمزی چشم، مشکلات رنگی و نور دهی به وسیله ی یک ویرایشگر ساده و آسان
- طراحی و ساخت کلاژ تصاویر، اسلاید شو ویدئویی، اسکرین سیور و ...
- اشتراک گذاری تصاویر با ایمیل یا از طریق وب آلبوم های پیکاسا

نقاط قوت

نقطه قوت اصلی پیکاسا، قدرت طبقه بندی و ویرایش آسانش است. اگر شما یک ویرایشگر پیشرفته تصاویر می خواهید، پیکاسا برایتان اصلاً مناسب نیست. اما این نرم افزار برای کاربران خانگی عادتی که فقط به سازمان دهی عکس ها و ویرایش های سبک در زمان کوتاه، نیاز دارند؛ فوق العاده است. برای ویرایش تصاویر به وسیله پیکاسا، لازم نیست چیز زیادی از فنون ویرایشی بدانید. شما می توانید تمام تصاویر موجود روی هاردتان را سازمان دهی کنید، آن ها را با وب آلبوم های پیکاسا همگام سازی کنید، تصاویر را به ترتیب افرادی که در آن هستند مرتب کنید، و انواع اسلاید شوهای فانتزی را بسازید.

شما همچنین قادر خواهید بود تا ادیت های کوچکی را روی نور دهی و رنگ انجام دهید. بیشتر این ادیت ها به صورت اتوماتیک نیز قابل انجام اند. البته می توانید کمی هم به ادیت های دستی متوسل شوید. در نهایت پیکاسا برای افرادی که نمی خواهند غرق در مرتب کردن عکس ها و ویرایش شان شوند، بسیار مناسب است.

متأسفانه، بزرگترین نقطه قوت پیکاسا، نقطه ضعفش هم هست. قدرت طبقه بندی پیکاسا فوق العاده است، اما در ابتدا کمی گیج کننده به نظر می رسد. وقتی پیکاسا را اجرا می کنید، این نرم افزار تمام هارد درایو شما را برای یافتن تصاویر جستجو می کند و آن ها را در کتاب خانه شما قرار می دهد. این برای هارد های آشفته که در هر درایو و فولدری از آن ها یک عکس دیده می شود، عالی است. اما به هر حال در طی این فرایند، شما هستید و یک عالمه والپیپر و آیکون و عکس و ... همین نکته ای است که شاید نخواهید در نرم افزار مدیریت تصاویرتان وجود داشته باشد. شما می توانید این مشکل را در مدیریت پوشه های پیکاسا رفع کنید. اما رفع آن هم نیاز به کمی زمان گذاشتن دارد و در هر حال گیج کننده است. این مسائل می تواند کاربران را به شدت عصبی کند.

از طرف دیگر، پیکاسا هنگام ویرایش تصاویر، به سختی کنترل را به شما می سپارد. بیشتر اوقات، شما یا تصویری که خودتان گرفته اید را دارید، یا تصویری که پیکاسا برای شما ادیت کرده! برای ویرایش دستی، کنترل های کمی در اختیارتان قرار می گیرند. مانند: کنترل سایه روشن ها، سایه ها و دمای رنگ. البته در این مورد خیلی ناراحت نباشید. چون قابلیت های ویرایش خودکار، واقعاً خوب کار می کنند و به خوبی از پس درست کردن تصاویرتان بر خواهند آمد.

پیکاسا همچنین فقط توانایی سینک شدن با وب آلبوم ها را دارد که این شما را ناراحت می کند. اگر بخواهید تصاویرتان را به یک سرویس غیر گوگلی مانند فیس بوک یا Flickr آپلود کنید. به یکی دوتا افزونه نیاز خواهید داشت.

شود که اگر عکس را به هر کامپیوتر دیگری هم منتقل کردید، این تغییرات روی آن باقی بمانند. اما

پیکاسا از این قابلیت بهره ای نمی برد. لایت روم با پرداخت ۳۰۰ دلار برای این نرم افزار، قابلیت های ویرایشی پیشرفته بسیار زیادی در اختیار شما قرار خواهد گرفت.

اگر تنها کار شما با تصاویرتان، همگام سازی آن ها با وب و موبایل های تان است، دراپ باکس واقعا گزینه خوبی است. اما اگر احساس می کنید که باید یک نرم افزار در سازمان دهی پوشه تصاویر به شما کمک کند؛ دراپ باکس دیگر گزینه خوبی به شمار نخواهد رفت.

دستی با تصاویر هم وجود دارد. امکانی که پیکاسا از آن محروم است. هرچند باید گفت که این نرم افزار قابلیت های ویرایش ویدئوی پیکاسا را ندارد و از وب آلبوم های پیکاسا هم پشتیبانی نمی کند. شاید در زیبایی و سادگی استفاده نیز به پای پیکاسا نرسد. چیز دیگری که ممکن است شما را به این نرم افزار علاقه مند کند، قابلیت ذخیره ی تغییرات (مانند نام افراد یا تگ های جغرافیایی) در قالب یک metadata (ابرداده) در عکس مربوطه است. این کار باعث می

رقیبان

بیشتر ویرایشگر های پایه، تقریبا شبیه پیکاسا هستند. یک گزینه ی طرفدار دیگر در ویندوز، نرم افزار Windows Live Photo Gallery است که به خوبی با ویندوز یکپارچه سازی شده و به شما اجازه آپلود تصاویر به اسکای درایو، فیس بوک و فلیکر را می دهد. در این نرم افزار قابلیت پانوراما سازی

فراخوان چهارمین دوره مسابقه عکس شو کا

- ۱- موضوع مسابقه «تاق تلویزیون» با نگاه مستند.
 - ۲- عکس ها اعم از آنالوگ یا دیجیتال باید چاپ شده ارائه شود.
 - ۳- هر عکاس می تواند حداکثر با ۵ عکس در این مسابقه شرکت کند.
 - ۴- قطع عکس ها ۲۰×۳۰ سانتی متر خواهد بود.
 - ۵- عکس ها نباید پاسپار تو یا قاب شده ارسال شوند.
 - ۶- مهلت ارسال تا ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۹۱ خواهد بود.
 - ۷- لازم است عکاسان مشخصات خود را که شامل نام و نام خانوادگی، تاریخ تولد، نشانی پستی و شماره تماس است را در پشت فیش بانکی به مبلغ هفت هزار تومان به شماره حساب ۲۱۹۳۳۳۰۱۴ بانک تجارت شعبه گاندی جنوبی کد ۲۱۹۰ به نام یارعلی پورمقدم، یادداشت و به همراه عکس ها بفرستند. (دریافت این مبلغ پس از کسر هزینه ها بین برندگان تقسیم خواهد شد تا به این ضرورت پاسخ داده شود که عکاسان می توانند خود حامی جشنواره های خود باشند).
 - ۸- این مسابقه دو برنده خواهد داشت و وجوه ارسالی پس از کسر هزینه های برگزاری به نسبت ۶۰ و ۴۰ بین برگزیدگان اول و دوم تقسیم خواهد شد.
 - ۹- برگزار کننده نهایت دقت را برای حفظ آثار ارسالی به عمل خواهد آورد ولی هیچ مسئولیتی در قبال آسیب های ناشی از ارسال را نمی پذیرد.
 - ۱۰- برگزار کننده حق استفاده از عکس های منتخب را برای فروش، چاپ و انتشار در کتاب ها یا نشریات مربوط به خود و برگزاری نمایشگاه با ذکر نام عکاس محفوظ داشته و هرگونه درآمد حاصل از آن را با رعایت تعرفه برگزار کننده به صاحب عکس پرداخت خواهد کرد.
 - ۱۱- تصمیم گیری در موارد پیش بینی نشده به عهده برگزار کننده است.
 - ۱۲- ارسال عکس برای این مسابقه به معنای پذیرش مقررات آن است.
 - ۱۳- ارسال عکس از نظر برگزار کننده به معنای اعلام مالکیت اثر از سوی ارسال کننده است. در صورت اثبات خلاف آن مسئولیتی متوجه برگزار کننده نیست.
 - ۱۴- مراسم افتتاحیه و اهدای جوایز خرداد ماه سال ۱۳۹۱ در تالار بتهوون خانه هنرمندان ایران برگزار و عکس های برگزیده به مدت یک هفته در همین مجموعه به نمایش در خواهد آمد.
 - ۱۵- عکس های ارسالی تا یک ماه بعد از اعلام برندگان در کافه شو کا نگهداری خواهد شد و پس از پایان زمان مقرر برگزار کننده هیچگونه مسئولیتی در قبال استرداد عکس های باقی مانده نخواهد داشت.
- جایزه بخش ویژه این بخش تحت عنوان «بهمن جلالی» منفردا توسط سر کار خانم رعنا جوادی (همسر بهمن جلالی و عکاس) داوری خواهد شد و برنده آن یک عکس از آثار بهمن جلالی را دریافت خواهد کرد.

هیئت داوران: بهرام دبیری (نقاش)، محمدرضا صفدری (نویسنده)، پیمان هوشمندزاده (عکاس)

جایزه نفر اول: تندیس آهوی مازنی به علاوه ۶۰ وجوه ارسالی جایزه نفر دوم: لوح پیروز به علاوه ۴۰ وجوه ارسالی

عکس ها به آدرس: تهران، خیابان گاندی، نبش کوچه چهارم، مرکز خرید گاندی، طبقه دوم، کافه شو کا کدپستی: ۱۵۱۷۳۳۸۷۷۷ تحویل و یا ارسال شود.
شماره تماس: ۰۲۱-۸۸۱۹۲۰۳۶

اطلاعیه - بیست فروردین ۱۳۹۱

قابل توجه شرکت کنندگان در چهارمین دوره مسابقه عکس شو کا
برای راحتی بیشتر پرداخت مبلغ شرکت در مسابقه می توانید علاوه بر پرداخت به حساب گفته شده در اطلاعیه اصلی فراخوان از روش پرداخت الکترونیکی به حساب ATM به شماره کارت زیر نیز استفاده کنید.

۵۷۲۷-۴۰۲۶-۵۳۱-۶۳۳۷

بانک تجارت به نام یارعلی پورمقدم

در این صورت لازم است مشخصات فردی خود شامل: نام، نام خانوادگی، تاریخ تولد، نشانی، کدپستی و شماره تماس را در برگه ای مجزا تایپ و آنرا به رسید خودپرداز یا پرینت شناسه پرداخت اینترنتی الصاق کرده، به همراه عکس های خود به دبیرخانه مسابقه عکس شو کا ارسال کنید. برای اطلاع از سایر موارد به اطلاعیه اصلی فراخوان مراجعه نمایید.

فراخوان اولین نمایشگاه و فروش آثار عکس صبا

بی‌تردید عکاسی را باید یکی از تأثیرگذارترین و وسیع‌ترین رسانه‌های هنر معاصر به حساب آورد. رسانه‌ای که هم در شکل مستقل خود و هم با همزیستی‌اش در کنار سایر رسانه‌ها به یکی از توانمندترین ابزارهای بیانی هنرمند معاصر بدل شده است. با این وصف، این پروژه بر آن است تا با مشارکت حداکثری جامعه عکاسی و با در نظر گرفتن تمام پتانسیل‌های این رسانه روشی سودمند را برای ارایه و فروش عکاسی اندیشمندانه در فضای هنر معاصر ایران تدارک ببیند. از همین روی موضوع این نمایشگاه به عهده هنرمند و برداشت شخصی او از تجربیات زندگی گزارده شده است. «عکس صبا» تلاش دارد تا به دور از هرگونه موازی کاری در فضایی غیررقابتی برآیندی حقیقی از عکاسی جدی عکاسان ایرانی را هر ساله در معرض دید علاقه‌مندان و خریداران عکس قرار دهد.

شرایط شرکت:

مؤسسه فرهنگی و هنری صبا و هیأت برگزاری «عکس صبا» از هنرمندان سراسر ایران در هر سن و گرایشی دعوت می‌کند تا در صورت تمایل جهت شرکت در این گردهمایی، آثار خود را با توجه به شرایط مندرج در فراخوان ارسال نمایند. لازم به ذکر است که هیأت انتخاب از میان آثار رسیده، با در نظر گرفتن ابعاد کیفی و فضای نمایشگاه آثار را انتخاب خواهند کرد.

۱- شرکت در نمایشگاه برای همه هنرمندان عکاس آزاد می‌باشد.

۲- الزامی است، هنرمندان عکاس آثار خود را صرفاً به شکل مجموعه عکس همراه با بیانیه شخصی (Statement) در (حداکثر ۱۰۰ کلمه) ارسال نمایند.

۳- آثار هنری اعم از (چیدمان، هنر دیجیتال و...) با تأکید بر محوریت عکس قابل پذیرش است، لذا کلیه هنرمندانی که آثارشان در این حیطه می‌گنجد لازم است بنا به صلاحدید خود پیش طرحی قابل فهم را به هیأت انتخاب ارایه دهند.

۴- هر هنرمند می‌تواند ۳ مجموعه عکس ارایه نماید.

۵- دبیرخانه از پذیرش تک عکس‌های پراکنده معذور است.

۶- دبیرخانه فایل‌های آسیب دیده و فاقد کیفیت چاپ را داوری نخواهد کرد.

۷- محدودیتی برای چگونگی ارایه و نمایش عکس‌ها وجود ندارد و هنرمندان (در صورت پذیرفته شدن) می‌توانند آثار خود را در ابعاد دلخواه و با مترتال مورد نظرشان به نمایش بگذارند.

۸- لازم است هنرمندان آثار خود را (برای انتخاب اولیه)، به شکل فایل JPEG، ۱۰۰ DPI، به آدرس دبیرخانه ارسال نمایند.

۹- متقاضی متعهد می‌شود که عکس‌های ارسالی متعلق به خود اوست و مسئولیت اخلاقی و حقوقی آن را به عهده می‌گیرد و برگزارکننده هیچ مسئولیتی در قبال این موضوع ندارد.

۱۰- قیمت گذاری آثار با توافق هنرمند و گروه کارشناسی «عکس صبا» تعیین می‌گردد.

۱۱- نحوه فروش بر اساس فرم تنظیمی و تفاهم بین هنرمند و برگزار کننده مشخص خواهد شد.

۱۲- کتابی نفیس از آثار نمایشگاه چاپ و ارایه خواهد شد.

۱۳- تصمیم گیری درباره موارد پیش بینی نشده به عهده شورای سیاست‌گذاری است.

۱۴- «عکس صبا» مجاز است از عکس‌های پذیرفته شده در کتاب و تبلیغات خود استفاده کند

۱۵- تکمیل فرم عکس صبا به منزله قبول مفاد فراخوان است.

هیأت انتخاب:

۱- محمد غفوری ۲- شهریار توکلی ۳- مهدی مقیم‌نژاد

بزرگداشت:

نمایشگاه هنری عکس صبا بر آن است که همه ساله جهت رونق و توجه به عکاسی برگزار گردد، لیکن همزمان با برگزاری، بخشی مستقل و مرتبط با ایران اسلامی را در جهت تکریم و بزرگداشت آن رونمایی خواهد کرد. «فتح خرمشهر» عنوان بخش مستقل اولین حرکت عکس صبا خواهد بود که یاد آور دلیری و جانبازی بسیاری از عزیزان در دفاع از کبان این مرز و بوم به یادگار گذارده شده است.

گاه شمار:

مهلت ارسال آثار: ۱۵ فروردین ماه ۱۳۹۱ (تا ۳۱ فروردین تمدید شد)

داوری و انتخاب آثار: ۱۷ تا ۲۰ فروردین ماه ۱۳۹۱

اعلام به برگزیدگان: ۲۲ و ۲۳ فروردین ماه ۱۳۹۱

مهلت ارسال آثار برگزیدگان: ۱۰ تا ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۹۱

شروع نمایشگاه: اردیبهشت ماه ۱۳۹۱

متعاقباً اطلاعات بیشتر در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

دبیرخانه عکس صبا: خیابان طالقانی، جنب سینما فلسطین، خیابان برادران شهید مظفر، پلاک ۱۲۵ تلفن: ۷ - ۶۶۴۸۷۵۳۶ - ۶۶۴۹۴۵۱۲

galleriesaba@gmail.com

فراخوان جشنواره هنرهای تجسمی بوم برکت

امروز نزد صاحب نظران، تردیدی وجود ندارد که آنچه می تواند منشأ عمده تحولات بشری در دنیای جدید واقع شود، قدرت اقتصادی، برتری سیاسی و مسایلی از این دست نیست، بلکه «فرهنگ» است که می تواند پایه و اساس تغییر و تحول در دنیای امروز قرار گیرد. در این می ان، فرهنگ عمومی، به عنوان ساحتی از فرهنگ که رابطه ای مستقیم با عموم مردم دارد از اهمیت ویژه ای برخوردار است. فرهنگ عمومی دارای دو جهت محسوس و نامحسوس است.

ابعاد محسوس و عینی آن شامل مواردی چون شکل لباس، نوع معماری، انواع غذاهای مورد استقبال مردم، آیین، سنن و رسوم مربوط به شادی، ازدواج، عزاداری و... می باشد که تأثیر خاصی بر ذهنیات، خلیات، منش و تربیت افراد دارد.

بخش دیگر فرهنگ عمومی نیز مربوط به امور نامحسوس مثل اخلاق فردی و اجتماعی مردم و وقت شناسی، تعهد و وجدان کاری، مهمان دوستی، احترام به بزرگ تر، اعتماد اجتماعی، احترام به قانون، انضباط اجتماعی، فرهنگ کار، تلاش و جدیت مسئولیت پذیری و... است.

آیین نامه شرکت در جشنواره (بخش عکس):

موضوع: زندگی شهری، فرهنگ شهروندی و عمومی و عوامل موثر بر ارتقاء آن همچون خانواده، قانون، رسانه ها و...

شرکت تمامی عکاسان حرفه ای و آماتور سراسر ایران در جشنواره آزاد است.

عکس مستند اجتماعی عکسی است که به موضوع خود سندیت می بخشد هر گونه دستکاری که شکل واقعی اشیا را تغییر دهد از حوزه این عکاسی خارج می شود و جنبه اسنادی عکس را از میان می برد. این نوع عکاسی حامل پیامی مشخص است.

منظور از بخش خلاقه (ابداعی) هر نوع نگاه عکاسانه، تکنیک لایر اتواری یا نرم افزاری، نوع ارائه و به طور کلی کارکردهایی است که توسط آن واقعیت به صورتی درآید که مردم قادر به دیدن آن در دنیای واقعی نباشند.

بخش مستند این جشنواره به صورت کارگاهی / اردویی در شیراز و با دعوت از عکاسان منتخب و بخش خلاقه (ابداعی) این جشنواره به صورت آزاد، پذیرای آثار ارسالی است.

برای شرکت در بخش مستند عکاسان لازم است ۵ عکس از نمونه آثار عکاسی خود را به دبیرخانه جشنواره ارسال نمایند.

برای شرکت در بخش خلاقه (ابداعی) هر عکاسی می تواند حداکثر با ۵ عکس در مسابقه شرکت نماید. عکس های ارسالی در این بخش، بلافاصله وارد مرحله دوری می شوند.

به این ترتیب هر شرکت کننده می تواند حداکثر با ۱۰ عکس در این جشنواره شرکت کند.

تاریخ ثبت عکس ها محدوده زمانی ندارد.

آثار ارسالی باید بر روی لوح فشرده cd یا dvd با فرمت jpg، در حداقل اندازه: ضلع بزرگ عکس ۳۰۰۰ پیکسل و رزولوشن خروجی دوربین ارسال گردند و نیازی به ارسال پرینت یا نسخه چاپی نیست.

شرکت کنندگان می توانند عکس های خود را از طریق سایت نیز Upload نمایند. (مقررات این بخش در قسمت ثبت نام قید گردیده است)

عکاسان لازم است محتویات CD عکس های ارسالی از طریق پست را در دو فولدر بنام های Documentary و Creative قرار داده و عکس های هر بخش را درون آن ذخیره نمایند.

الزاماً بر روی لوح فشرده ارسالی نام و نام خانوادگی، شماره تماس و نشانی پستی خود را یادداشت نمایید.

هر گونه آسیب دیدگی و ارسال نامناسب بسته پستی بر عهده فرستنده می باشد و دبیرخانه جشنواره هیچگونه مسئولیتی در قبال ارسال نامناسب آثار نمی پذیرد.

لوح های فشرده ارسالی عودت نمی شود و پس از دوری معلوم می گردد.

عکاسان برگزیده در بخش عکاسی مستند به صورت کارگاهی به رقابت می پردازند.

تمامی هزینه اسکان و پذیرایی عکاسان منتخب بخش مستند و همچنین عکاسان منتخب بخش خلاقه (ابداعی) در ایام جشنواره بر عهده ستاد برگزاری جشنواره می باشد.

بخش ویژه جشنواره با عنوان «شیراز، سومین حرم اهل بیت (ع)» نیز همزمان دوری می گردد.

اولین جشنواره هنرهای تجسمی بوم برکت بخش ویژه ای را برای تقدیر از نوجوانان زیر ۱۸ سال ترتیب داده است که می توانند در هر یک از بخش های جشنواره شرکت نمایند.

آثار منتخب و راه یافته به بخش مسابقه مستند و خلاقه (ابداعی) در قالب کتاب جشنواره به چاپ می رسد و یک نسخه از این کتاب برای تمامی شرکت کنندگان ارسال خواهد شد.

شرکت در مسابقه به معنای قبول قوانین جشنواره می باشد.

هیئت داوران: بخش مستند: اسماعیل عباسی، اسعد نقشبندی، دکتر محمد ستاری / بخش مفهومی: افشین شاهرودی، کیانگ علایی، دکتر مهدی مقیم نژاد

جوایز بخش مستند و خلاقه:

نفر اول: تندیس جشنواره لوح تقدیر، مبلغ ۲۰ میلیون ریال

نفر دوم: تندیس جشنواره لوح تقدیر، مبلغ ۱۶ میلیون ریال

نفر سوم: تندیس جشنواره لوح تقدیر، مبلغ ۱۲ میلیون ریال

نفر چهارم: لوح تقدیر و مبلغ ۷ میلیون ریال

نفر پنجم: لوح تقدیر و مبلغ ۵ میلیون ریال

جایزه بخش ویژه «شیراز، سومین حرم اهل بیت (ع)»: تندیس جشنواره لوح تقدیر و مبلغ ۲۰ میلیون ریال

جایزه هنرمند زیر ۱۸ سال (۲ نفر): لوح تقدیر و مبلغ ۴ میلیون ریال

آخرین مهلت ارسال آثار: ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۱

نمایشگاه آثار برگزیده: ۲۰ تا ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۱

مراسم پایانی جشنواره: ۲۵ جشنواره ۱۳۹۱

دبیرخانه: شیراز، چهارراه خیرات، نرسیده به سینما قیام جنب بانک ملی حوزه هنری فارس کدپستی: ۷۱۴۹۱۴۳۹۱۴

تلفن تماس: ۰۷۱۱۳۳۴۹۱۷۳-۵

سایت: hhfestir

فراخوان دومین جشنواره بیرجند در قالب ایران

سازمان رفاهی تفریحی شهرداری بیرجند با هدف به تصویر کشیدن واقعیت امروز شهر بیرجند دومین دوره جشنواره بیرجند در قالب ایران را با شرایط و مقررات زیر برگزار می کند.

محورهای موضوعی جشنواره: جشنواره در سه بخش برگزار می شود.

بخش یک: مناظر شهری

در این بخش عکس هایی مورد نظر است که موضوعات زیر را به تصویر کشیده باشد:

بافت معماری (جدید و قدیم)، مناظر و چشم اندازهای شهری، میادین، بازارها، کوچه ها و خیابان ها، مکان های زیارتی و توریستی، حضور مردم در شهر، و تمامی نشانه ها و نمادهایی که مربوط به بیرجند بوده و مستقیم یا غیر مستقیم بیرجند را معرفی می کنند.

بخش دو: مردم نگاری

در این بخش عکس هایی مورد نظر است که موضوعات زیر را به تصویر کشیده باشد:

پرتله های محیطی، تیپ نگاری مردم، پوشش های خاص محلی، فرهنگ عامه، مشاغل، جلوه های بومی، آیین ها، رسم و رسومات سنتی و هر چه که مستقیم یا غیر مستقیم به زندگی روزمره مردم بیرجند مرتبط است.

بخش سه: آلبوم های خانوادگی و یادگاری

در این بخش عکس های یادگاری و مستندی مورد نظر است که به صورت های گوناگون توسط همگان اعم از عکاس و غیر عکاس بصورت یادگاری و توریستی در بیرجند گرفته شده است. از تمامی کسانی که در آلبوم های خانوادگی یا شخصی خود عکس هایی دارند که در جای جای شهر بیرجند گرفته شده و می تواند معرف بیرجند باشد دعوت می شود عکس های خود را به این منظور در اختیار برگزار کننده قرار دهند.

جوایز در دو بخش مناظر شهری و مردم نگاری:

نفر اول: تندیس جشنواره، لوح تقدیر و مبلغ ۱۰ میلیون ریال

نفر دوم: تندیس جشنواره، لوح تقدیر و مبلغ ۸ میلیون ریال

نفر سوم: تندیس جشنواره، لوح تقدیر و مبلغ ۶ میلیون ریال

تقدیر استانی: لوح تقدیر و مبلغ ۴ میلیون ریال

تقدیر سازمان رفاهی تفریحی در بخش مناظر شهری مبلغ ۴ میلیون ریال

تقدیر دبیر جشنواره در بخش مردم نگاری مبلغ ۴ میلیون ریال

در بخش آلبوم های خانوادگی جایزه ای داده نمی شود ولی به سه عکس که به شکل مطلوبی تصویری از گذشته بیرجند را در مقابل دید امروزیان قرار دهد به انتخاب گروه گزینش هر کدام مبلغ ۴ میلیون ریال اهدا خواهد شد.

هیأت داوران: اسماعیل عباسی، افشین شاهرودی، مسعود زنده روح کرمانی، شهریار توکلی، کیانگ علایی

مشاور گروه داور: دکتر محمد علی بیدختی

گروه گزینش بخش آلبوم های یادگاری: دکتر محمد علی بیدختی، احمد عابدی، رضا خالدی

مدرسین کارگاه های آموزشی: حسن غفاری، گوهر دشتی

ناظر کل جشنواره: علی مظفری نیا

رییس ستاد جشنواره: محمدرضا قلاسی مود

دبیر جشنواره: رضا خالدی

گاهشمار جشنواره:

اردوهای عکاسی برای عکاسان خراسان جنوبی: دوم و سوم اردیبهشت ۱۳۹۱

اردوهای عکاسی برای عکاسان سایر شهرها: دوم اردیبهشت لغایت پنجم اردیبهشت ۱۳۹۱

آخرین مهلت ارسال آثار: پایان ساعت اداری روز ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۱

داوری: ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۱

اطلاع رسانی: خردادماه ۱۳۹۱

مراسم پایانی: تابستان ۱۳۹۱

آدرس دبیرخانه: خراسان جنوبی، بیرجند، انتهای میدان توحید، خیابان مفتاح ۲۴، پلاک ۹، سازمان رفاهی تفریحی شهرداری بیرجند

تلفن دبیرخانه: ۴۴۵۰۲۳۲ و ۴۴۲۲۰۱۳ و ۴۴۲۲۰۱۴ کد بیرجند ۰۵۶۱

دبیر جشنواره: ۰۹۲۵۴۸۰۴۶۴۹ - مدیر اجرایی: ۰۹۱۵۹۶۱۰۶۹۰

فراخوان مسابقه عکاسی از سفره‌های هفت‌سین

سرزمین کهن ایران از دیر باز روز تولد دوباره طبیعت را جشن می‌گیرند و پس از اسلام نیز با تائیداتی که در احادیث از این آیین شد، نوروز به حیات خود ادامه داد. سایت لقمه نیز از چهار سال گذشته برای اولین بار با هدف حرکتی در جهت نگاهی دوباره و زیبا به آئین‌ها و آداب و رسوم مردم خوبمان، مسابقات فرهنگی هنری سفره‌های ایرانی اسلامی را آغاز کرد و هم اکنون با برگزاری چهارمین دوره مسابقه عکاسی از سفره‌های هفت سین لذت نشاطی وصف ناپذیر از حضور در عید زیبای ایرانیان را در کنار هنرمندان سراسر کشور تجربه می‌کند.

موضوع مسابقه:

بدون تردید در سراسر این سرزمین پهناور آداب و رسوم و آیین‌های خاص اقوام در ایام نوروز ساری و جاری است اما معتقدیم که حلقه رابط و تنها نشان ثابت نوروز همه ایرانیان، سفره هفت سین است و به استناد همین موضوع و عنوان مسابقه ما هم «هفت سین» است. سفره‌ای بی‌مثال که در هر جا که گسترده می‌شود نشان از مهمان نوازی و همدلی ایرانیان و مایه شور و نشاط است و بی‌تردید یکی از خاطره سازترین پدیده‌های فرهنگی زندگی ما است. در این مسابقه نام سفره‌های هفت سین تنها یک استعاره از کلیه عکس‌های مستند اجتماعی، خبری و یا خلاقه و مفهومی در خصوص سفره‌های هفت سین از هر نقطه‌ای در کشور عزیزمان و یا سایر نقاط جهان است و به کلیه مراحل تهیه و گستردن و حضور سفره‌های هفت سین در اماکن خصوصی و یا عمومی با حضور افراد و یا بدون ایشان اشاره دارد و برگزارکننده با تکیه بر آداب و رسوم رایج از تمامی هنرمندان، عکاسان و علاقمندان دعوت می‌کند با نگاهی وسیع به موضوع «سفره‌های هفت سین» توصیه می‌کند محوریت آیین‌ها و رسوم غذایی در تدارک و گستردن این سفره پر برکت، اعم از: تهیه، خرید، بازار، برخورد و نگرش اقوام ایرانی، آرایش سفره، نقش اعضای خانواده در تزئین این سفره، تکریم جایگاه پدر و مادر، نگاه‌های ویژه به حاشیه‌های این سفره، احترام به حریم سفره و... مد نظر شرکت کنندگان قرار گیرد.

موضوع بخشی ویژه مسابقه:

دو جایزه که هر کدام به مبلغ ۳ میلیون ریال و از طرف عکاس پیشکسوت میراث فرهنگی، حسن غفاری و به انتخاب هیات داوران است، به بهترین عکس‌هایی که با موضوعات تهیه و آماده سازی سبزه برای نوروز، نمایش و حضور سبزه در سفره هفت سین و یا رهاسازی سبزه در طبیعت ثبت شده‌اند، تعلق می‌گیرد.

تعداد آثار ارسالی:

هر متقاضی می‌تواند در هر بخش (آزاد و ویژه) حداکثر با ۵ قطعه عکس به صورت سیاه و سفید یا رنگی در قالب‌های آنالوگ یا دیجیتال شرکت کند. (مجموعاً حداکثر ۱۰ عکس)

گاه شمار مسابقه:

آخرین مهلت ارسال عکس: ۳۱ فروردین ماه سال ۱۳۹۱

ارزیابی و داوری: حداکثر تا ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۹۱

اطلاع رسانی: از طریق سایت لقمه و خبرگزاری‌ها و سایت‌های معتبر عکاسی

نمایشگاه: همزمان با هفته میراث فرهنگی در ۲۸ اردیبهشت - مکان نمایشگاه متعاقباً اعلام می‌شود

دبیر مسابقه: محمد صالح حجت‌الاسلامی

هیات انتخاب و داوری: محمدمهدی رحیمیان، فرزاد هاشمی و حسن غفاری

جوایز برگزیدگان:

نفر اول: لوح تقدیر و یادمان نمایشگاه به همراه شش میلیون ریال جایزه نقدی

نفر دوم: لوح تقدیر و یادمان نمایشگاه به همراه پنج میلیون ریال جایزه نقدی

نفر سوم: لوح تقدیر و یادمان نمایشگاه به همراه چهار میلیون ریال جایزه نقدی

حامیان این مسابقه

این مسابقه توسط بخش خصوصی و با مشارکت موسسه فرهنگی هنری توسعه هنرهای معاصر و حمایت سازمان فرهنگی هنری شهرداری (فرهنگسرای رویش) و البته تاکنون عکاسان و هنرمندان عزیز مهم‌ترین حامیان آن بوده‌اند و با شرکت در این مسابقات ضمن رونق بخشیدن به آن، زمینه ساز برگزاری مسابقات منظم

آیین نامه شرکت در مسابقه:

- ۱- برگزارکننده به منظور احترام به سایر شرکت کنندگان هیچ زمانی را برای تمدید مهلت دریافت عکس در نظر نخواهد گرفت.
- ۲- شرکت در این مسابقه هزینه‌ای در برداشته و برگزارکننده از تمامی عکاسان و علاقمندان برای حضور در این حرکت عکاسانه دعوت می‌کند.
- ۳- برگزارکننده در صورت صلاحدید هیات داوران می‌تواند رتبه‌های اول تا سوم را در نظر نگیرد و یا حذف نماید و یا جایزه این بخش را بین سایر عکاسان تقسیم کند.
- ۴- آثار به صورت تک رنگ، سیاه و سفید و رنگی و در قالب‌های آنالوگ و دیجیتال پذیرفته می‌شوند.
- ۵- گروه ارزیابی و دآوری حداکثر ۴۰ قطعه عکس را برای نمایشگاه و چاپ در کتاب انتخاب می‌کنند که به تمامی عکسهایی که در نمایشگاه پذیرفته شده باشند گواهی شرکت و به جز سه عکس برتر مبلغ پانصد هزار ریال به عنوان حق تصویر تعلق خواهد گرفت.
- ۶- عکس‌ها باید در سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ گرفته شده باشند و برگزارکننده با توجه به اصل پویایی و پیشرفت و همچنین احترام به عکاس و مخاطب از پذیرش عکس‌هایی که در سایر مسابقه‌ها دارای رتبه بوده و یا جایزه‌ای را کسب کرده باشند، معذور است. ملاک تشخیص در این اصل، برگزارکننده و گروه داوران می‌باشند.
- ۷- هر متقاضی می‌تواند به صورت مستقل با ارسال حداکثر ۵ قطعه عکس در بخش آزاد و با حداکثر ۵ قطعه عکس در بخش ویژه، شرکت کند.
- ۸- امکان ارسال آثار تنها به صورت اینترنتی وجود دارد و علاقمندان باید آثار خود را از طریق ایمیل وبه نشانی loghme@gmail.com ارسال کنند.
- ۹- حجم فایل عکس‌های ارسالی برای هر عکس حداکثر ۲ مگا بایت و اندازه ضلع بزرگ هر عکس حداکثر ۳۰ سانتیمتر در نظر گرفته شود.
- ۱۰- عکس‌های آنالوگ باید اسکن شده و با کیفیت مناسب ارسال شود.
- تبصره ۱: از هنرمندان عزیز تقاضا می‌شود از فشرده سازی فایل‌ها پرهیز کنند.
- تبصره ۲: متقاضیان می‌توانند هر عکس را در یک ایمیل جداگانه ارسال نمایند.
- ۱۱- برگزارکننده تنها ویرایشی را بر روی عکس می‌پذیرد که سندیست عکس را از بین نبرد، البته تنظیم نور و کنتراست و اصلاح رنگ قابل پذیرش است. ویرایش‌هایی به وسیله ابزارها و نرم افزارها که منجر به اتلاق عنوان دخل و تصرف باشد عکس را از دور مسابقه خارج خواهد کرد.
- ۱۲- نامگذاری فایل عکس‌های ارسالی بایستی با حروف و اعداد انگلیسی انجام شود.
- برای نامگذاری فایل‌ها ابتدا نام خانوادگی ثبت شود. سپس با قرار دادن نقطه عدد عکس ارسالی و بعد از خط فاصله تعداد اثار ارسالی ثبت شده و سپس با درج نقطه شماره همراه عکاس تایپ شود. (مثال: Eslami. ۱- ۵. ۸۴۲. ۰۹۱۳۳۲۰۸۴۲ و Eslami. ۲- ۵. ۸۴۲. ۰۹۱۳۳۲۰۸۴۲)
- ۱۳- عکس‌های دریافتی که فاقد نامگذاری صحیح و یا «فرم تکمیل شده شرکت در مسابقه» باشند، پذیرفته نخواهند شد.
- ۱۴- عکس‌های راه یافته به نمایشگاه باید به سرعت و در زمان حداکثر یک هفته پس از اعلام نتایج با کیفیت مناسب برای چاپ در ابعاد ۷۰×۱۰۰ به دبیرخانه ارسال شود.
- ۱۵- آثاری که مورد پذیرش داوران قرار نگرفته باشند پس از برگزاری مسابقه برای انجام کارهای پژوهشی مورد استفاده قرار خواهند گرفت و یا معدوم می‌شوند.
- ۱۶- دبیرخانه مسابقه به طور قطع آثار دریافتی پس از مهلت اعلام شده را نخواهد پذیرفت.
- ۱۷- ستاد برگزاری، ارسال کننده را مالک عکس می‌شناسد اما در صورت تشخیص خلاف این نکته، برگزارکننده تمامی امتیازهای متعلقه را سلب و عکس مربوطه را از دور مسابقه حذف خواهد کرد.
- ۱۸- برگزارکننده مجاز است تا از عکس‌های منتخب گروه داوران در امور مربوط به تبلیغات دبیرخانه، نمایشگاه‌های متعدد با همین عنوان و چاپ کتاب با ذکر نام عکاس استفاده نماید.
- ۱۹- اطمینان از دریافت آثار ارسالی بر عهده متقاضی است.
- ۲۰- ارسال آثار به منزله قبول آیین نامه شرکت در مسابقه و تایید مالکیت عکس‌ها است.
- ۲۱- تصمیم گیری در مورد مسایل پیش بینی نشده بر عهده برگزارکننده است.
- ۲۲- تبعات عدم ارسال کامل اطلاعات خواسته شده نظیر عدم اطلاع رسانی از زمان نمایشگاه، عدم ارسال کتاب، عدم پرداخت به موقع حق تصویرها و یا جوایز، به عهده شرکت کنندگان است.

نحوه ارسال آثار:

متقاضیان می‌توانند آثار خود را به صورت پستی به نشانی تهران، خیابان شریعتی، جنب سینما سروش، خیابان بوشهر شماره ۱۷، واحد ۳ کد پستی ۱۶۱۳۹۳۹۹۱۱ و یا به صورت اینترنتی به نشانی loghme@gmail.com ارسال کنند اما به یاد داشته باشند که برای همه شرکت کنندگان تکمیل فرم فراخوان الزامی است.

نحوه دریافت فرم شرکت در مسابقه:

فرم مسابقه یک فایل متنی (در نرم افزار word) است که می‌تواند توسط خود عکاس برای هر یک از بخش‌های آزاد و ویژه آماده شود و شامل اطلاعات شخصی هنرمند (نام و نام خانوادگی، میزان تحصیلات، تاریخ تولد، شماره تلفن، آدرس ایمیل) و مشخصات عکس (عنوان عکس، محل عکاسی، تاریخ عکاسی و شرح عکس) می‌شود و ارائه آن برای شرکت در مسابقه الزامی است.

متقاضیان می‌توانند در طول دوره مسابقه با شماره تلفن‌های ۰۹۱۳۳۲۰۸۴۲ و ۰۹۳۶۷۸۳۲۸۹۶ از ساعت ۸ تا ۲۰ هر روز تماس بگیرند.

فراخوان اولین کنفرانس عکس ایران

عکاسی، حقوق عکاس و ارتباطات

تاریخ برگزاری: بهار ۱۳۹۱

برگزار کننده: آژانس عکس خبری ایران

با همکاری دانشگاه ها، سایت های معتبر هنری و ...

تاریخ های مهم:

مهلت ارسال اصل مقاله: ۱۵/۰۱/۱۳۹۱

دریافت نسخه نهایی مقالات: ۲۰/۰۱/۱۳۹۱

مهلت ثبت نام در کنفرانس: ۲۹/۰۱/۱۳۹۱

درباره همایش:

هنر عکاسی زاینده‌ی تکنولوژی بود و همراه با آن نیز پیشرفت کرد و روزبه‌روز بر تکامل دوربین و طریقه‌ی چاپ افزوده شد. این تکامل علاوه بر تکنولوژی ساخت، به کشف سوژه‌ها و زمینه‌های تازه و شعور اجتماعی و هنری عکاسان نیز کمک شایانی کرد. خلق یک عکس با عکس گرفتن تفاوت دارد. یک عکس مطلوب که بتوان آن را در قالب یک رشته دانشگاهی در آورد مختصات خاص خود را دارد. انتقال بسیاری از مفاهیم بصورت عکس امکان پذیر است. گرچه دوربین‌های اتوماتیک دیجیتالی به سرعت در بین عکاسان راه خود را باز کرده‌اند و عکاسی تجربی رشد به سزایی داشته ولی ما باید آنچه در این زمینه در دانشگاه مطرح می شود با تجربه عکاسان در هم بیامیزیم. آژانس عکس خبری ایران دوربین.نت با همین محور به دنبال برگزاری اولین کنفرانس عکس ایران است تا بتواند ضمن پیوند فعالان عرصه عکاسی با دانشجویان و اساتید دانشگاهی این رشته زمینه انتقال اطلاعات و بهبود نگاه جامعه عکاسی را فراهم کند.

محورهای همایش:

- راه کارهای عکاسی بهتر در سال ۱۳۹۱

- عکاسی مستند اجتماعی، شاخص‌ها و راه کارهای بهبود
- حقوق معنوی و اجتماعی عکس و عکاس
- عکاسی در جامعه ایران، موانع و مشکلات
- ژورنالیسم و استفاده از عکس خبری
- عکس و سلامت اجتماعی
- آرشیو و راه کارهای نگهداری عکس‌های آنالوگ و دیجیتال
- شیوه‌های ارائه نوین عکس در فضای حقیقی و مجازی

نحوه‌ی نگارش مقاله:

مقاله با Word ۲۰۰۳ و یا Word ۲۰۰۷ تایپ شود

حداکثر تعداد صفحات: ۸ صفحه A۴

حاشیه از هر طرف: ۲ سانتیمتر

فاصله بین سطرها: ۱ سانتیمتر

فونت: Nazanin با رعایت نکات زیر:

۱. عنوان مقاله ۱۸ بولد وسط چین

۲. نام نویسندگان و سمت آنها فونت ۱۲ و بولد

۳. چکیده و کلمات کلیدی با فونت ۱۲

۴. عناوین بخش‌ها با فونت ۱۲ بولد

۵. متن با فونت ۱۲

۶. عناوین جداول و اشکال با فونت ۱۰

نام نویسندگان و سمت آنها در زیر عنوان مقاله آورده شود و زیر نام نویسنده اصلی خط کشیده شود. آدرس پست الکترونیک نویسندگان در زیر اسامی آورده شود.

چکیده مقاله حداقل ۵ و حداکثر ۱۰ سطر در برگ جداگانه تنظیم گردد(عنوان و چکیده جزء ۸ صفحه مقاله لحاظ نمی‌شود)

قیمت کنفرانس

هشتاد هزار تومان

تخفیف‌های کنفرانس به زودی اعلام می‌شود

ثبت نام

برای ثبت نام عضو سایت شوید در بخش خدمات کنفرانس را انتخاب کنید.

ساعت برگزاری

بخش اول : ساعت ۹ صبح تا ۱۰:۳۰

بخش دوم : ساعت ۱۱ تا ۱۳

بخش سوم : ۱۴ تا ۱۸

اطلاعات تماس با دبیرخانه:

مسوول کنفرانس : احسان رافتی

دبیر کنفرانس : اسماعیل حق پرست

تلفن و فکس دبیرخانه: ۶۶۷۵۷۹۵۴

ایمیل : doorbin.net@gmail.com

وبسایت : www.bestphotos.ir

چهارمین جشنواره
عکس‌های برتر سال
www.bestphotos.ir

سفر عکاسی
| گنبد / خال‌دنبی و ... |
اردیبهشت ماه ۹۱
safar.doorbin.net

سفر عکاسی
| قشم |
دی ماه
safar.doorbin.net

دوونوات
| خوشمزه‌ترین بخش دوربین.نت |
www.doonut.ir

سفر عکاسی
| کردستان |
خرداد ماه ۹۱
safar.doorbin.net

سفر عکاسی
| شیراز و تخت جمشید و پاسارگاد |
اردیبهشت ماه ۹۱
safar.doorbin.net

سفر عکاسی
| لرستان |
خرداد ماه ۹۱
safar.doorbin.net

CLUB
| عضویت در بزرگترین کلوپ آموزشی عکاسی |
Club.doorbin.net

ترم تابستان



کلاس های عکاسی دوربین نت

یادگیری را جور دیگری تجربه کنید

| عکاسی خبری | ادیت عکس | عکاسی مقدماتی | مالتی مدیا |

Amouzesh.doorbin.net

۰۹۱۹۲۰۵۳۰۰۹



گارانتی + بیمه
ایدار

شرکت ایده آل با پشتیبانی تعمیرگاه مرکزی دوربین

خدمات رایگان در مدت نمایشگاه

رفع پیکسل سوخته

اعلام وضعیت شاتر

به روز رسانی نرم افزار

سرویس حسگر (CMOS - CCD)



Canon FUJIFILM

علاوه بر خدمات فوق شرکت ایده آل با
پشتیبانی تعمیرگاه مرکزی دوربین DVD
آموزشی دوربین های حرفه ای کانن و نیکون
و دوربین های خانگی کانن را به صورت رایگان
به بازدید کنندگان محترم اهدا می نماید.

وعده دیدار ما

نمایشگاه تخصصی دوربین های دیجیتال و تجهیزات وابسته

زمان: ۳۱ اردیبهشت لغایت ۳ خرداد ۱۳۹۰

مکان: مصلی بزرگ امام خمینی غرفه A30



نشانی: تهران، خیابان جمهوری، ساختمان آلومینیوم
طبقه یازدهم، واحد ۱۱۱۷ تلفن: ۶۶۷۰۱۰۳۸

نشانی: تهران، میدان هفت تیر، ابتدای خیابان بهارشیراز
پلاک ۱۸۹، طبقه سوم، واحد ۶ تلفن: ۵۰-۸۸۳۱۹۲۴۵

گارانتی + بیمه
ایدار